

# همایش جمع‌بندی تشریحی

## فلسفه ۱

تهیه و تنظیم: مجتبی علی اکبر



پویش علمی  
ماندگارالبرز



انسان و تفکر:

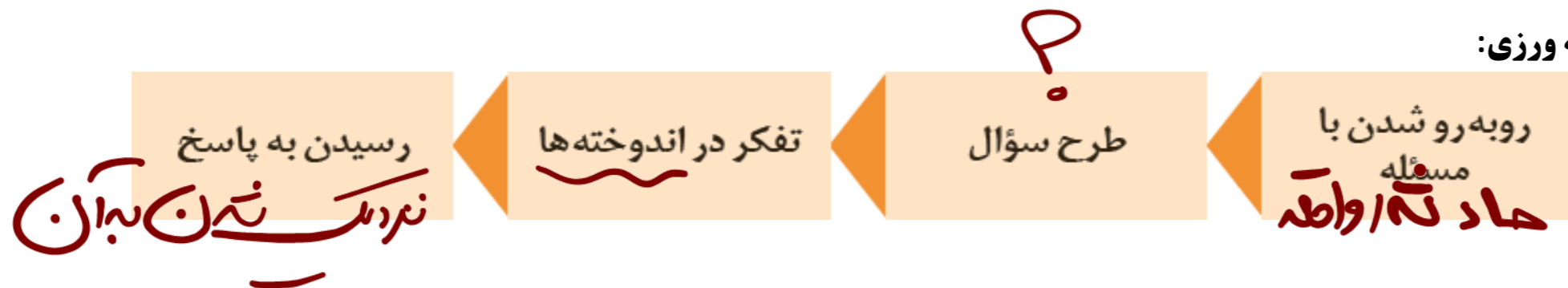
یکی از ویژگی‌های انسان پرسشگری است. کودکان در همان سنین ابتدایی از حوادث پیرامون خود سوال می‌کنند و کنجکاوی خود را با گفتن کلمه «چرا» به پدر و مادر خود نشان می‌دهند.

تفکر چیست؟ واسطه رسیدن انسان از مجهولات به معلومات و از پرسش‌ها به پاسخ‌هاست.



پویش علمی  
ماندگارالبرز

مراحل تفکر و اندیشه ورزی:



دو مرتبه از تفکر

۱- تفکر غیر فلسفی:

زمانی که انسان با همان سؤال‌های معمولی و روزانه روبه‌روست و به دنبال پاسخ آنهاست، در مرحله اول تفکر قرار دارد.

۲- تفکر فلسفی:

اما اگر انسانی از این مرحله تفکر عبور کرد و با جدیت و پیوسته به سؤال‌های دسته دوم پرداخت، وارد مرتبه دوم تفکر شده است.

سوالات تفکر فلسفی:

مقصود ما از آزادی چیست؟ از برابری چه منظوری داریم؟ آیا اصولاً می‌توان آزادی را با برابری جمع کرد؟ اگر هر کس آزاد باشد هر طور که می‌خواهد زندگی

کند، آیا نتیجه این نخواهد شد که آدم‌ها در وضعیت نابرابر قرار گیرند؟ چرا درد و رنج هست؟ خوشبختی و سعادت در گرو چیست؟ آیا می‌توان به آن رسید؟ سرانجام ما انسان‌ها چه می‌شود؟ آغاز و انجام جهان چگونه است؟ عشق و دوستی چگونه است؟ آیا اینها امور واقعی و مقدس‌اند؟ یا امور خیالی و ذهنی؟ اصولاً انسان و حقیقت انسانی چیست؟ آیا اختیار دارد یا مجبور است؟ چه هدفی را باید در دنیا دنبال کرد؟

ملاصدرا (صدرالمতالیهن شیرازی)

فطرت اول: مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آنها (انسان واقف)

فطرت ثانی: ورود به پرسش‌های اساسی و تفکر درباره آنها (انسان سائر)

وی ماندن در فطرت اول را شایسته انسان نمی‌داند و از انسان‌ها می‌خواهد که بکوشند از فطرت اول عبور کنند و به فطرت ثانی که مرحله‌ای برتر و عالی‌تر است، برسند.  
دانشی فلسفه

اول: با دقت در سؤال‌های دسته دوم درمی‌یابیم که این قبیل سؤال‌ها مربوط به موضوعات اساسی و بنیادی است که بدون در دست داشتن پاسخ درست و قانع‌کننده برای آنها، تصمیم‌گیری‌های انسان به نتیجه و سرانجام روشنی نخواهد انجامید.

دوم: تلاش‌های بشر برای پاسخ قانونمند موجب ظهور دانشی به نام «فلسفه» شده است.

سوم: دانش فلسفه عهده دار بررسی قانونمند این قبیل سؤال‌هاست.

چهارم: از همان آغازین روزهای حیات فکری انسان، افرادی اهمیت این قبیل پرسش‌ها را دریافته و با دقت و تأمل فراوان، برای دستیابی به پاسخ صحیح تلاش کردند.



پویش علمی  
ماندگارالبرز





تفاوت بین سوالات فلسفی و غیر فلسفی

پرسش‌های فلسفی کلی و بنیادین هستند / تنها با روش عقلی می‌توان آنها را بررسی کرد / این سوالات درباره هستی، انسان و حقیقت هستند.

واژه فلسفه

۱- ریشه یونانی دارد.

۲- مُعَرَب شده کلمه فیلسوفیا است. (فیلو = دوست داشتن) + (سوفیا = دانش) = دوست داری دانایی

۳- در ابتدا این کلمه مختص علم خاصی نبود و به همه دانش‌ها تعلق داشت.

۴- کسی که این واژه را بر سرزبان‌ها انداخت: سقراط

۵- کسی که اولین بار از این کلمه استفاده کرد: فیثاغورس

۶- سوفیست: دانشمند

۷- چرا سقراط مایل نبود او را سوفیست بنامند؟

(۱) تواضع و فروتنی

(۲) شاید به خاطر هم‌ردیف نشدن با سوفسطائیان (معنای اول این کلمه دانشمند و بعداً به مغالطه کار تغییر یافت)

سوفسطائیان: دغدغه برخی از سوفیست‌ها، که بیشتر به تعلیم سخنوری و وکالت اشتغال داشتند، بیان واقع و دفاع از حقیقت نبود؛ این گروه پیروزی بر رقیب را مهم‌ترین هدف می‌دانستند و از این رو در استدلال‌های خود بیشتر از مغالطه کمک می‌گرفتند که به ظاهر درست به نظر می‌رسید، اما در واقع غلط بود. این رویه به تدریج سبب شد که این گروه از دانشمندان برای حقیقت و واقعیت ارزش و اعتباری قائل نباشند و بگویند: هر کس هر چه خودش می‌فهمد همان حقیقت و واقعیت است.



پویش علمی  
ماندگارالبرز

با: (۱) گذشت زمان و (۲) پیشرفت دانش‌های مختلف، بر هر یک از شاخه‌های دانش نام ویژه‌ای گذاشته شد و به تدریج کلمه فلسفه فقط برای همین دانش خاص به کار رفت.



فلسفه به معنای دانش خاص

فلسفه به معنای مطلق دانش

فلسفه به معنای دوستداری دانایی

ویژگی‌های فلسفه:

برای پاسخ به سؤال‌های بالا، می‌گوییم که اساساً هر دانشی از دو جهت از سایر دانش‌ها متمایز و جدا می‌شود:

۱- از جهت موضوعی که آن دانش درباره آن بحث می‌کند.

۲- از جهت روشی که در آن دانش مورد استفاده قرار می‌گیرد.



۱- موضوع فلسفه، بنیادی ترین موضوعات:

فلسفه درباره یک موجود خاص بحث نمی کند، بلکه به بررسی:

(۱) اصل وجود

(۲) حقیقت جهان

(۳) طبیعت انسان می پردازد. فیلسوف درباره آن دسته از ویژگی های موجودات صحبت می کند که مربوط به هستی و موجودیت آنهاست. به همین خاطر، مباحث فلسفی پایه و اساس مباحث سایر علوم به شمار می آیند.

۲- استفاده از روش عقلی و قیاسی:

در مسائل فلسفی که به اصل و اساس جهان و انسان مربوط هستند، نمی توان از حواس یا آزمایش بهره برد و یا از ابزاری مانند میکروسکوپ و تلسکوپ کمک گرفت. در این موارد فقط باید به توانایی عقل و استدلال های عقلی تکیه کرد و با تفکر و تعقل و تجزیه و تحلیل دانسته ها به حل مسئله و کشف مجهول نزدیک شد. مسائل فلسفی، از جهت روش، مانند مسائل ریاضی هستند که استفاده از حواس و ابزار به حل آنها کمک نمی کند و فقط با عملیات فکری و استدلالی باید به جواب مسئله ها دست یافت.

**توجه!** امروزه لفظ فیلسوف ( دوست دار دانش ) هم معنای لفظ قدیمی آن است و فقط معنای اصطلاحی آن تغییر کرده است .

امروز معنای لغوی فیلسوف ، دوست دار دانش است (ص)

امروز لفظ فیلسوف در اصطلاح قدیمی آن به کار می رود. (غ)



## نمونه سوالات تشریحی درس ۱

۱- درستی یا نادرستی هریک از عبارت های زیر را مشخص کنید :

الف) رویارویی انسان با سوالات روزمره و جستجوی پاسخ آن‌ها، مرحله اول تفکر است. (صحیح)

ب) «سوال از چیستی آزادی» یک سوال فلسفی است. (صحیح)

ج) برخی انسان‌ها، فارغ از اشتغالات روزانه، لحظاتی به تفکر دربارهٔ باورهای خود می‌پردازند و نسبت به پذیرش آن باورها می‌اندیشند. (صحیح)

۲- جای خالی را با کلمات مناسب پر کنید :

الف) فیلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون ..... نمی‌پذیرد و ..... را برپایهٔ خیالات، تبلیغات و تعصب بنا نمی‌کند. (دلیل / برهان - عقایدش)

ب) روش فلسفه با دانش .....، مشابه است. (ریاضی)

ج) چنین گفته شده که اصطلاح فیلسوفوس را ..... برای اولین بار در مقابل کلمهٔ ..... به کار گرفت. (سقراط - سوفیست)

د) میان «تفکر» و «تفکر فلسفی» رابطهٔ ..... از نسب اربعه برقرار است. (عموم و خصوص مطلق)

۳- کدام پرسش فلسفی است؟

۱) آغاز و انجام جهان چگونه است؟

۲) جهان از چه موادی تشکیل شده است؟

پاسخ: گزینه ۱

۴- لفظ فلسفه معرب چه کلمه ای است و معنای آن کلمه چیست ؟

پاسخ : فیلسوفیا / به معنای دوست داری دانایی

۵- جدول را کامل کنید.

اصطلاحات	معنای اولیه	معنای رایج و کنونی
۱- فلسفه	.....	.....
۲- سوفیست	.....	.....
۳- فیلسوف	.....	.....

پویش علمی  
ماندگار البرز

پاسخ:

۱- دوست داری دانایی / دانش خاص

۲- دانشمند / مغالطه کار

۳- دوست دار دانش / دانشمند

۶- منظور از فطرت ثانی چیست و کدام فیلسوف این موضوع را مطرح کرده است؟

پاسخ: تفکر درباره سوالات اساسی و فلسفی یا گذر از جهان محسوسات به عالم معقولات را فطرت ثانی نامید. ملاصدرا

۷- دانش فلسفه و فیزیک از چه جهاتی قابل تمایز هستند؟

پاسخ: از جهت موضوع و از جهت روش

۸- لفظ فلسفه را تعریف کنید. (معنی کلمه و اولین کسی که این اصطلاح را به کار برد).

پاسخ: فلسفه معرب شده کلمه فیلسوفیا به معنای دوست داری دانش است / فیثاغورس



پویش علمی  
ماندگارالبرز



## درس ۲: ریشه و شاخه‌های فلسفه

دانش فلسفه دارای یک بخش اصلی و تعدادی بخش‌های فرعی است. بخش اصلی به منزلهٔ ریشه و اساس فلسفه است و بخش‌های فرعی در حکم شاخه‌ها و ستون‌های آنند.



پویش علمی  
ماندگارالبرز



بخش اصلی و ریشه‌ای فلسفه :

این بخش از فلسفه در صدد بحث و بررسی این دومورد است :

(۱) اصل و حقیقت وجود

(۲) مسائل پیرامون آن

فیلسوفان تلاش می‌کنند قوانین و احکامی را که مربوط به خود هستی و وجود است به دست آورند؛ مثلاً بدانند که آیا در هستی قانون علیت جاری است یا نه؟ از آنجا که معرفت به وجود، فرع بر امکان شناخت آن است (یعنی قبل از معرفت به وجود باید امکان شناخت وجود را بررسی کرد)، آنان می‌خواهند توانایی انسان در شناخت هستی را هم بررسی کنند و بدانند که بشر چگونه و با چه ابزاری می‌تواند به شناخت هستی بپردازد؛ مثلاً: می‌خواهند بدانند که آیا انسان می‌تواند قانون علیت را دریابد و به وجود چنین قانونی در جهان مطمئن باشد؟



از این رو بخش اصلی و ریشه‌ای فلسفه را به دو بخش تقسیم می‌کنیم:

۱- هستی‌شناسی: که درباره قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث می‌کند.

۲- معرفت‌شناسی: که توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

نکته:

مثلاً پرسش از **علیت** می‌تواند از دو نگاه و حیثیت مطرح شود:

هستی‌شناختی	پرسش‌هایی همچون اینکه رابطه علیت چیست و چه لوازمی دارد و توضیح آن لوازم در این پرسش‌ها تمرکز بر خود رابطه علیت است.
معرفت‌شناختی	پرسش‌هایی درباره درک و دریافت رابطه علیت است. اینجا تمرکز بر خود رابطه علیت نیست، بلکه درباره چگونگی درک رابطه علیت است.

مذکور است - منابع

علت درها

ادراک / فهم بودن - مورد بحث

توانایی انسان در این مورد



پویش علمی  
ماندگار البرز



فلسفه های مضاف، شاخه های فلسفه

تعریف فلسفه مضاف : شاخه های دانش فلسفه، آن دسته از دانش های فلسفی هستند که قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت شناسی را به محدوده های خاص منتقل می سازند و قوانین بنیادی آن محدوده از وجود را بیان می کنند.

مثال (در حوزه انسان شناسی) : اگر کسی در وجودشناسی پذیرفته باشد که «وجود بر دو قسم مادی و مجرد از ماده است» چنین کسی در انسان شناسی فلسفی خود می تواند بگوید که «انسان» نیز دارای دو بُعد مادی و مجرد است. حال، کسانی که معتقد باشند انسان دارای این دو بُعد است، در علوم همانند اخلاق و روان شناسی به ویژگی های بُعد مجرد او هم می پردازند.

توجه : مباحث معرفت شناسی بر انسان شناسی فلسفی اثرگذار هستند و مباحث انسان شناسی فلسفی بر مباحث فلسفه اخلاق اثر می گذارند:

۱- در جهان شناسی، فقط شناخت های حسی و تجربی معتبر است. (معرفت شناسی)

۲- حقیقت انسان صرفاً همین جسم و بدن مادی است. (انسان شناسی فلسفی)

۳- ملاک خوبی اخلاقی، سود و منفعت اجتماعی است. (فلسفه اخلاق)

با تأمل فیلسوفانه در حوزه هایی مانند اخلاق، دین، تاریخ و طبیعت، شاخه هایی از فلسفه مانند فلسفه اخلاق، فلسفه دین، فلسفه تاریخ و فلسفه طبیعت شکل می گیرد.





نکته ۱: مبانی و زیربنای علوم در فلسفه بررسی می‌شوند و گاهی، به آن بخش از مباحث فلسفی که مبانی هر علم را بررسی می‌کنند، فلسفه مضاف آن علم گفته می‌شود.

نکته ۲: آنچه در فلسفه های مضاف پذیرفته شود، اساس و شالوده نظریات در علوم قرار می‌گیرد.

برای مثال: فلسفه علوم اجتماعی، یکی از شاخه های مهم فلسفه است. یکی از مسائل مورد توجه در این شاخه از فلسفه این است که آیا جامعه اصالت و اهمیت دارد یا فرد؟

لیبرالیسم: آنان که به اصالت فرد اعتقاد دارند: (۱) همواره منافع و مصلحت افراد را بر منافع جامعه مقدم دانسته (۲) در برنامه ریزی های فرهنگی و اقتصادی و نظایر آن، بیشتر به منافع و رشد فرد توجه دارند و (۳) در سیاست نیز معتقد به تامین آزادی های فردی هستند.

سوسیالیسم: اما آنان که برای جامعه اصالت قائلند: (۱) برنامه های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی آنان، سمت و سوی اجتماعی دارد (۲) منافع جمع را در اولویت قرار می‌دهند (۳) در سیاست نیز معتقد به تامین منافع جمعی هستند.

دیدگاه سوم: هم افراد اصالت دارند و هم جامعه.

(۱) گرچه افراد تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار می‌گیرند، اما هیچ گاه قدرت اختیار و تصمیم گیری خود را از دست نمی‌دهند و توانایی تأثیرگذاری بر جامعه و حتی تغییر جامعه را دارند.

(۲) همچنین معتقدند که جامعه صرفاً جمع افراد نیست، بلکه با گرد هم آمدن افراد و زندگی طولانی آنان با یکدیگر، یک روح جمعی در جامعه شکل می‌گیرد که می‌تواند بر افراد جامعه تأثیر بگذارد و آنها را تابعی از ویژگی ها و ساختار جامعه قرار دهد.

## نمونه سوالات تشریحی درس ۲

پویش علمی  
ماندگارالبرز

۱- صحیح و غلط را در عبارات زیر مشخص کنید :

(الف) ابتدا باید وجود را شناخت تا بتوان امکان شناخت آن را بررسی کرد. (غلط)

(ب) پیروان اصالت فرد در سیاست به لیبرالیسم معتقد هستند که تامین کننده آزادی های فردی است . (صحیح)

۲- جای خالی را با کلمات مناسب پر کنید :

(الف) بخش اصلی فلسفه در صدد بحث و بررسی اصل و حقیقت ..... است. (وجود - هستی انسان و طبیعت جهان)

(ب) به شاخه های فلسفه مانند فلسفه اخلاق، فلسفه دین، فلسفه علم، فلسفه تربیت..... می گویند. (فلسفه مضاف)

۳- کسانی که در فلسفه انسان را دارای دو بُعد مادی و مجرد می دانند در روانشناسی چه دیدگاهی خواهند داشت؟

پاسخ : در وران شناسی بع بعد مجرد انسان هم می پردازند و جایگاه آن را در رفتار و تربیت نشان می دهند .

۴- چرا به شاخه های فلسفه ، فلسفه مضاف می گویند؟

پاسخ : زیرا کلمه فلسفه به کلمه ای که نام آن دانش یا موضوع خاص است ، اضافه شده است .

۵- تفاوت رای معتقدین به اصالت فرد و اصالت جمع را بنویسید.

پاسخ : اصالت فرد : جامعه مجموعه ای از افراد است که کنار هم زندگی می کنند . همواره منافع و مصلحت افراد بر جامعه تقدم دارد و در برنامه ریزی های فرهنگی

و اقتصادی و نظایر آن ، بیشتر به منافع و رشد فرد باید توجه کرد . لیبرالیسم

اصالت جمع : برنامه های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی آنان ، سمت و سوی اجتماعی دارد و منافع جمع را در اولویت قرار می دهند. سوسیالیسم

۶- از چه طریقی می توان ریشه بسیاری از اندیشه هایی که اکنون در بین ما رایج است را بشناسیم و به سابقه تاریخی آنها پی ببریم؟

پاسخ : با بررسی و تحلیل آغاز اندیشه های فیلسوفانه و تفکرات فلسفی



پویش علمی  
ماندگارالبرز



۷- گزینه صحیح را انتخاب کنید :

الف- چرا مباحث فلسفی پایه و اساس مباحث سایر علوم به‌شمار می‌روند؟

(۱) به جهت پرداختن به موضوعی خاص از میان موضوعات جهان و زندگی انسان

(۲) چون به توانایی عقل و استدلال‌های عقلی تکیه می‌کنند.

(۳) چون در پی پاسخ به سؤالات اساسی است.

(۴) به جهت بحث از هستی و موجودیت موجودات

پاسخ : گزینه ۴

ب ( کدام گزاره به بخش معرفت‌شناسی مربوط می‌شود؟

(۱) پدیده‌ها نمی‌توانند به اختیار خود به وجود بیایند. (۲) درک واقعیت‌های هستی امکان‌پذیر است.

پاسخ : گزینه ۲

۸- گزاره‌های زیر مربوط به کدامیک از بخش‌های اصلی فلسفه و کدامیک از شاخه‌های فلسفه است؟

الف ( تاریخ انسان از قانونمندی خاصی پیروی می‌کند)

ب ( هستی یک وجود بی‌انتهاست. )

پاسخ : الف : فلسفه تاریخ‌شناسی

ب : وجود‌شناسی یا هستی‌شناسی

## درس ۳: فلسفه و زندگی



پویش علمی  
ماندگارالبرز



پویش جهاد علمی دبیرستان ماندگارالبرز

Δ نکته : مبنای عمل و تصمیم آدمیان چیست ؟ باورها

Δ نکته : منشاء باورهای ما چیست ؟

کسانی که به دنبال شناخت منشاء باورهای خود هستند ، در حقیقت، اهل تفکر فلسفی هستند و می‌کوشند بنیان‌های فکری خود را در چارچوب عقل و منطق قرار دهند.

تعریف اندیشیدن فیلسوفانه : اندیشیدن فیلسوفانه، تأمل کردن درباره باورهای مربوط به زندگی است:

(۱) آموختن چرایی

(۲) یافتن دلایل درستی یا نادرستی باورها

(۳) پذیرفتن باورهای درست

(۴) کنار گذاشتن باورهای نادرست.

نتیجه این نحوه تفکر : در این صورت، خودمان بنیان‌های فکری خود را می‌سازیم و به آزاداندیشی می‌رسیم و شخصیتی مستقل کسب می‌کنیم.

باورها ← فلسفه ← انتخاب اهداف

فلسفه هر کس معنا دهنده به زندگی اوست.



تقسیم بندی آدمیان با توجه به معنای زندگی

۱- برخی آدم ها کمتر به اموری مانند حقیقت انسان و جهان می اندیشند و به همان اندازه ای که از دور و برشان آموخته اند، قناعت می کنند، در نتیجه در انتخاب هدف نیز دقت نظر چندانی ندارند و بیشتر دنباله روی دیگرانند.

۲- برخی آدم ها در این امور می اندیشند و در بسیاری موارد به دانشی درست درباره جهان و انسان می رسند؛ در نتیجه می توانند هدف قابل قبولی برای زندگی برگزینند و زندگی آنان معنای درستی پیدا کند.

۳- برخی نیز نگرشی نادرست درباره جهان و انسان دارند. اینان، در انتخاب هدف به خطا رفته و زندگی آنان معنای نادرستی به خود گرفته است.

باورها ← فلسفه زندگی ← اهداف ← تصمیم گیری

برخی فواید تفکر فلسفی

① دوری از مغالطه ها

فلسفه از این توانایی منطقی کمک می گیرد تا اندیشه های فلسفی درست از تفکرات غلط تشخیص داده شود و راه رسیدن به اعتقادات درست هموار گردد.

(زمتار (مغل)

② استقلال در اندیشه

فیلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد و عقیده اش را بر پایه خیالات، تبلیغات و تعصب بنا نمی کند. او درباره استدلال ها می اندیشد و اگر به درستی شان پی ببرد، آنها را می پذیرد.

تفاوت فیلسوف با بقیه آدمیان

فرق فیلسوف با مردمان دیگر این است که اوّل فیلسوف دربارهٔ همین مسائل به نحو جدی فکر می‌کند؛ ثانیاً با روش درست وارد این قبیل مسائل می‌شود و پاسخ می‌دهد. او تابع برهان و استدلال است؛ نه تابع افراد و اشخاص.

❸ رهایی از عادت‌های غیر منطقی

افراد متفکر و اندیشمند این جوامع، این قبیل افکار را مورد نقد و ارزیابی قرار می‌دهند و اگر منطبق با عقل و استدلال نبود، آنها را نمی‌پذیرند و تلاش می‌کنند سایر مردم را نیز به باطل بودن آن افکار آگاه کنند.

تمثیل غار افلاطون (مثالی برای استقلال در اندیشه و رهایی از عادات)

این تمثیل در کتاب «جمهوری» افلاطون آمده است.

می‌خواهد نشان دهد که چگونه فلسفه انسان را به سوی آزادی حقیقی راهنمایی می‌کند.

نماد شناسی تمثیل غار :

غار = دنیای محسوس و محدود انسان‌ها، جایی که بیشتر ما در آن اسیر هستیم و تنها ناظر سایه‌ها ایم.

زنجیرها = محدودیت‌ها و جهالت‌ها و تعصبات انسانی که مانع درک حقیقت و وصل به آن می‌شوند.

اسیران در غار = انسان‌های عادی که تنها آنچه را که می‌بینند، همان واقعیت‌های سطحی و ظاهری است و بی‌خبر از حقایق هستی هستند.

سایه‌های روی دیوار = تصورات و آگاهی‌های سطحی که انسان‌ها از واقعیت دارند. در حقیقت تصورات ناقص ایشان از واقعیت است و نه خود آن



پویش علمی  
ماندگارالبرز



آتش در غار = اطلاعات محدود و ناقص همراه با آموزش‌های نارسا و محدود  
نور خورشید = دنیای واقعی و حقیقت‌های مطلق (جهان ایده‌ها) جایی که انسان با فلسفه و تفکر عمیق می‌تواند حقیقت را درک کند.  
خروج از غار = مسیر فلسفی و تلاش برای رسیدن به دانش و حقیقت  
دیدن نور و بازگشت به غار = مرحله دشوار پذیرش حقیقت و مواجهه با واقعیت‌ها بعد از آموختن فلسفه و همچنین تلاش برای آموزش دیگران



پویش علمی  
ماندگارالبرز



## نمونه سوالات تشریحی درس ۳

پویش علمی  
ماندگار البرز

۱- تعیین کنید کدام عبارت، صحیح و کدام یک غلط می‌باشد:

(۱) در تمثیل غار افلاطون، «غار» نماد عادت‌ها، تعصب‌ها و نادانی‌ها است. (درست)

(۲) یگانه فرق مردم و فیلسوف در اظهار نظر این است که فیلسوف به نحو جدی تفکر می‌کند. (نادرست)

(۳) فلسفه هر کس، معنا دهنده به زندگی اوست. (درست)

(۴) کسانی که اهل تفکر فلسفی هستند می‌کوشند بنیان‌های فکری خود را در چارچوب عقل و منطق قرار دهند. (درست)

(۵) هنگامی که افراد اندیشمند باطل بودن عادات غیر منطقی را بیان می‌کنند، از ابتدا مردم سخنان آنان را می‌پذیرند. (نادرست)

(۶) در تمثیل غار افلاطون، «نور خورشید» عامل شناخت اشیای بیرون غار است. (درست)

۲- جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید:

الف) فیلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون ..... نمی‌پذیرد و ..... را برپایه خیالات، تبلیغات و تعصب بنا نمی‌کند. (دلیل / برهان / عقایدش)

ب) آدم‌هایی که به اموری مانند حقیقت ..... و ..... می‌اندیشند، می‌توانند هدف قابل قبولی برای زندگی برگزینند و زندگی آنان معنای درستی پیدا کند. (انسان / جهان)

ج) ..... که فلسفه ما را می‌سازند، نقش تعیین کننده در انتخاب اهداف دارند. (باورها)

۳- به سوالات زیر پاسخ کوتاه دهید:

۱- کسانی که نگرشی نادرست درباره جهان و انسان دارند در انتخاب هدف چگونه‌اند؟

پاسخ: به خطا رفته‌اند.



پویش علمی  
ماندگار البرز



۲- در مراحل اندیشه‌ورزی، تفکر در اندوخته‌ها به چه معنا است؟

پاسخ: در معلومات و دانسته‌های خود اندیشه کنیم.

۳- موضوع دانش فلسفه چیست؟

پاسخ: اصل حقیقت هستی و وجود انسان، جهان و خدا

۴- مسائل فلسفی از جهت روش مانند مسائل کدام علم می‌باشند؟

پاسخ: ریاضی

۴- سوالات تشریحی

۱- از فواید تفکر فلسفی، استقلال در اندیشه را توضیح دهید.

پاسخ: فیلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون دلیل نمی‌پذیرد و عقیده‌اش را بر پایه خیالات، تبلیغات و تعصب بنا نمی‌کند. او درباره استدلال‌ها می‌اندیشد و اگر به درستی‌شان پی ببرد، آن‌ها را می‌پذیرد. فرق فیلسوف با مردمان دیگر این است که اولاً فیلسوف درباره همین مسائل فلسفی به نحو جدی فکر می‌کند؛ ثانیاً با روش درست وارد این قبیل مسائل می‌شود و پاسخ می‌دهد. او تابع برهان و استدلال است؛ نه تابع افراد و اشخاص

۲- با توجه به تمثیل غار افلاطون، گذر از یک وضع عادی و رسیدن به حقیقت برتر در پرتوی چه چیزی به دست می‌آید؟

پاسخ: راه‌هایی از نظر افلاطون در آمدن از سکون، بلند شدن از جای خود، تحمل رنج اولیه برای عبور و رسیدن به حقیقت است. برای کشف حقیقت، ابتدا باید زنجیر عادت‌های نابخردانه را با کمک عقل و خرد، پاره کرد و فکر را از تأثیرپذیری از آن‌ها رهایی بخشید. آن‌گاه آزاد از این زنجیرها و قیود اندیشید و به تدریج زندگی را بر زیربنایی محکم و استوار بنا کرد.

## درس ۴: آغاز تاریخی فلسفه



پویش علمی  
ماندگارالبرز



- Δ نکته ۱: برای دانش فلسفه نمی‌توان، از نظر زمانی آغازی تعیین کرد.
- Δ نکته ۲: همان طور که نمی‌توان گفت فلسفه ابتدا در کدام سرزمین پدید آمده است.
- ≡ البته، این سخن درباره همه دانش‌ها صدق می‌کند.

فلسفه در ایران

گزارش‌ها حکایت از این دارد که ایران باستان یکی از سرزمین‌های فلسفه خیز بوده و حکیمان و فیلسوفانی خداپرست در ایران می‌زیسته‌اند. سهروردی که از فیلسوفان بزرگ دوره اسلامی است، معتقد است که در دوره کیانیان انسان‌های وارسته‌ای بوده‌اند. ویژگی اندیشمندان آن دوره:

فلسفه  
عزیزان

- (۱) هم به حکمت و فلسفه می‌اندیشیدند.
  - (۲) هم دارای سلوک معنوی بوده‌اند.
- این حکیمان اندکی پیش از فیلسوفان دوره یونان باستان و برخی نیز هم‌زمان و پس از آنان می‌زیسته‌اند.

در تمدن‌های باستانی دیگر، مانند تمدن‌های چین، هند، بین‌النهرین و مصر نیز که پیش از تمدن یونان شکل گرفته‌اند، کم و بیش حکمت و فلسفه رواج داشته و آثاری که حکایت از تفکر در مسائل بنیادین هستی داشته باشند، به جای مانده است.

اخلاق و خودشناسی

مانند **اوپانیساده‌ها** که شامل متون متعدد **هندو** است و **گاتاها** که **سروده‌های زرتشت** می‌باشد.



پویش علمی  
ماندگارالبرز

فلسفه در یونان

نکات کلی:

- ۱- نخستین مجموعه‌ها یا قطعه‌هایی که به زبان فلسفی نگاشته شده یا جنبه فلسفی در آنها غلبه داشته، از یونان باستان به یادگار مانده است.
- ۲- سرزمین یونان چه نامیده می‌شود و چرا؟ به همین جهت از سرزمین یونان به عنوان مهد تفکر فلسفی یاد می‌کنند. در آنجا بود که دانش فلسفه شکل گرفت و تفسیر جهان با روش عقلانی رایج شد.



زادگاه فلسفه یونانی بخشی از سرزمین یونان باستان واقع در غرب آسیای صغیر به نام ایونیا بود.

در **ایونیا**: حدود شش قرن پیش از میلاد مباحث فلسفی پایه گذاری شد و اولین فیلسوفان یونان پا به عرصه وجود گذاشتند.

در آغاز شکل‌گیری فلسفه، آنچه بیش از هر چیز این اندیشمندان را به خود مشغول می‌داشت:

دگرگونی‌هایی بود که پیوسته در جهان طبیعت رخ می‌داد.



پویش علمی  
ماندگار البرز



توجه: یونان مهد تفکر فلسفی است زیرا:

- ۱- نخستین مجموعه هایی که به زبان فلسفی نوشته شده اند، از یونان باستان به یادگار مانده است.
- ۲- نخستین مجموعه هایی که جنبه فلسفی در آن ها غلبه دارد، از یونان باستان به یادگار مانده است.

یونان مهد تفکر فلسفی است یعنی:

- ۱- نخستین بار دانش فلسفه در آن جا شکل گرفت.
- ۲- نخستین بار در آن جا تفسیر جهان با روش عقلانی رایج شد.

تالس:

- ۱- نخستین اندیشمند یونانی
- ۲- هیچ نوشته ای از وی باقی نمانده است.
- ۳- شش قبل از میلاد مسیح میزیسته است.
- ۴- خورشید گرفتگی سال ۵۸۵ پیش از میلاد را پیش بینی کرده است.
- ۵- عقیده داشت که آب اولین عنصر و پایه و اساس سایر چیزهاست و همه چیز در نهایت، از آب ساخته شده است.

فیثاغورس:

- ۱- پایه گذار ریاضی و هندسه و فلسفه
  - ۲- ریاضیات را به گونه ای خاص با عرفان و فلسفه درهم آمیخت.
- نقل ارسطو درباره فیثاغورسیان:

ن ک راه کسم ایجا کرده است

ن ک رنیه صیری به بودا کرده است

تالس  
صنای خورش  
هواکستون

(فلسفی)

مخبران  
(الخوره ای)

ق م

فیلسوفانی که به نام فیثاغوریان خوانده می‌شوند، نخستین کسانی بوده‌اند که خود را وقف ریاضیات کرده و باعث پیشرفت آن شده‌اند. در نظر آنان، اصول ریاضی درباره تمام موجودات صادق است و اعداد و اصول اعداد، همان عناصر اولی همه موجودات هستند.

۳- نخستین بار از کلمات: فلسفه / تئوری / کیهان استفاده کرد.



پویش علمی  
ماندگارالبرز

هراکلیتوس:

دلایل شهرت وی در تاریخ فلسفه:

۱) اعداد دارای وحدت هستند. اموری که با هم ضد هستند، می‌توانند با یکدیگر جمع شوند؛ مثلاً دامنۀ کوه، هم سربالایی است و هم سرپایینی. درباره یک لیوان که تا نصف آن آب است، هم می‌توان گفت نیم لیوان خالی است و هم می‌توان گفت نیم آن پر است و این دو جمله تضادی با یکدیگر ندارند. پس وجود این اعداد است که جهان را می‌سازد و گریزی ازستیز و تضاد نیست.

۲) تغییر و تحول دائمی در جهان

—هیچ چیز ثابتی در جهان وجود ندارد.

—همه چیز در سیلان و حرکت است.

—دگرگونی قانون زندگی و قانون کائنات است.

—نمی‌توان در یک رودخانه دوبار شنا کرد.



پارمنیدس :

۱-سقراط در جوانی با وی ملاقات کرده است.

۲-فلسفه خود را به صورت شعر عرضه کرده و با بیانی شاعرانه به توصیف عقاید خود پرداخته است.

۳-نخستین بار از مفاهیم بودن و شدن (وجود و حرکت) صحبت کرده است .

این دو از کلمات مهم و اصلی فلسفه هستند .

توضیح فلسفه پارمنیدس

هستی، یک امر واحد ثابت است و حرکت و شدن ندارد.

در جهان واقع، نیستی راه ندارد و نمی توان گفت «نیستی هست».

ما با یک واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر روبه رو هستیم. البته از طریق حواس نمی توان به این واقعیت رسید. تنها با تفکر عقلی است که این حقیقت را می توان دریافت.

حواس فقط همین مرتبه ظاهری جهان و هستی را نشان می دهد که نشان دهنده امور مختلف و متغیر است. اما با عقل می توان به آن لایه باطنی و حقیقی هستی رسید که بدون تغییر و جاودانه است.

استدلال پارمنیدس به زبانی دیگر:

اگر چیزی بخواهد به وجود آید، دو منبع در اختیار دارد : ۱- وجود

۲-لاوجود

اگر از وجود نشأت بگیرد ، که قبلا بوده است .

اگر از لاوجود نشأت بگیرد ، تناقض آمیز است .

پس همه چیز از قبل بوده و چیز جدیدی ایجاد نمی شود .

پویش علمی  
ماندگارالبرز

## سوفیست‌ها

آرا و نظریات گوناگون و غالباً متضادی که این اندیشمندان عرضه داشتند، سبب شد تا نوعی تشویش و نگرانی بر مردم آن روزگار غالب شود و بذریعۀ اعتمادی نسبت به دانش و اندیشه در ذهن ایشان پراکنده گردد. این آشفتگی فکری به ظهور دانشمندانی منجر گردید که منادی بی اعتباری علم و اندیشه شدند.



پویش علمی  
ماندگارالبرز

این گروه که خود را «سوفیست» - یعنی دانشمند - می خواندند، به این دلیل که:

۱- سخن اندیشمندان و جهان شناسان با یکدیگر متضاد است.



۲- آنها نتوانسته اند تفسیر درستی از جهان به دست آورند نظریات آنان را بیهوده دانستند.

در نتیجه: به جای آموزش علوم، به فن سخنوری روی آوردند و همان طور که گفته شد، به جای رسیدن به حقیقت، پیروزی بر رقیب را هدف قرار دادند و به آنجا رسیدند که اصل حقیقت و واقعیت را انکار کردند.

توجه داشته باشید:

گرگیاس: انکار کننده معرفت بود.

پروتاگوراس: معتقد به نسبی بودن معرفت بود.



## نمونه سوالات تشریحی درس ۴

پویش علمی  
ماندگار البرز

۱- درستی یا نادرستی جملات زیر را مشخص کنید .

(۱) به هیچ وجه نمی‌توان تاریخ دقیقی از آغاز فلسفه ارائه داد. (درست)

(۲) شعار « نمی‌توان در یک رودخانه دو بار شنا کرد. » اندیشه مشهور هراکلیتوس درباره تغییر دائمی جهان است . (درست)

۳: از نظر فیثاغورس اعداد و اصول اعداد همان عناصر اولی همه‌ی موجودات هستند. (درست)

(۴) فلسفه در آغاز شامل همه دانش‌ها نبود. (غلط)

۲- جای خالی را با کلمات مناسب پر کنید .

(۱) در آغاز شکل‌گیری فلسفه در یونان باستان، مسئله‌ای که اندیشمندان را به خود مشغول می‌داشت، ..... بود. (دگرگونی طبیعت)

(۲) از نظر پارمنیدس مفهوم ..... و ..... یا وجود و حرکت از مفاهیم اولیه فلسفه است. (بودن / شدن)

(۳) بر طبق باور تالس جهان از ..... ساخته شده است. (آب)

(۴) زادگاه فلسفه یونانی ، سرزمین ..... است . (ایونیا)

۳- پاسخ دهید :

۱- چگونه میتوان به افکار تالس پی برد؟

پاسخ : از تالس هیچ نوشته‌ای باقی نمانده است و از روی نوشته‌های فیلسوفان بعدی برخی از افکار او را به دست آورده‌اند.

۲- چرا از نظر پارمنیدس نمی‌توان گفت که « نیستی، هست »؟

پاسخ : زیرا این جمله تناقض آمیز است .



۳- دوباور اصلی هراکلیتوس را بنویسید.

پاسخ: اولی وحدت اضداد است. اموری که با هم ضد هستند با یکدیگر جمع می شوند. دومین اندیشه مشهور وی تغییر و تحول دائمی جهان است. همه چیز در سیلان و حرکت است.

۴- چرا پارمنیدس شناخت حسی را معتبر نمی دانست؟

پاسخ: به دلیل خطاهایی که گاهی در حواس اتفاق می افتد.

۴- هریک از عبارت‌های ستون (الف) با کدام یک از موارد ستون (ب) در ارتباط است؟ (در ستون ب یک مورد اضافی است)

ستون ب

ستون الف

۱- سهروردی

۲- پارمنیدس

۳- هراکلیتوس

۴- ملاصدرا

۵- قالس

۶- ارسطو

الف) آب، اولین عنصر و پایه و اساس سایر چیزها است.

ب) فیثاغورسیان نخستین کسانی بودند که خود را وقف ریاضیات کردند.

ج) وجود اضداد است که جهان را می‌سازد و گریزی از ستیز و تضاد نیست.

د) ما با یک واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر روبه‌رو هستیم.

پاسخ: الف: ۵      ب: ۶      ج: ۳      د: ۲

## درس ۵: زندگی بر اساس اندیشه



پویش علمی  
ماندگارالبرز

سقراط:

زندگی نیازموده ارزش زیستن ندارد.

نظریات سوفسطائیان:

۱- جهان را نمی‌توان شناخت.

۲- آنچه را که ما علم و دانش می‌نامیم، تنها ساخته و پرداخته ذهن ماست و تطابقی با واقعیت‌ها ندارد.

۳- با کمک اقسام مغالطه‌ها و جدل و فن سخنوری به نشر اندیشه خود می‌پرداختند و بر شیوه زندگی مردم تأثیر می‌گذاشتند.

نتیجه: تحت تأثیر چنین اندیشه‌هایی، اخلاق و فضیلت میان مردم کم رنگ شده بود و بسیاری از مردم به دنبال حق جلوه دادن باطل بودند.

سقراط هیچ کتابی ننوشت، اما سراسر حیاتش را با فلسفه سپری کرد.

افلاطون نشان می‌دهد که سقراط عمر خود را مصروف اصلاح جامعه و شناساندن افکار مغالطه آمیز سوفیست‌ها کرد. با هر کسی که به او گوش می‌داد، مسائل

اساسی خداشناسی، اخلاق، سیاست و اجتماع را در میان می‌گذاشت.

بحث‌های او به دل می‌نشست و به هر کجا که می‌رفت، مردم، به ویژه جوانان مشتاق گرد او حلقه می‌زدند. سقراط، روش بحث ثابتی داشت.

روش سقراطی: (دیالکتیک - گفت و گو)





پویش علمی  
ماندگارالبرز



مثلاً می پرسید : شجاعت چیست ؟ دوستی چیست ؟

وقتی کسی داوطلب پاسخ می شد، با توجه به پاسخ او، سؤال دیگری طرح می کرد به طوری که مخاطب و پاسخ دهنده را به حقیقت می رساند و آنچه را که حق بود، از زبان پاسخ دهنده به دست می آورد.

جملات سقراط :

از گشت و گذار در شهر جز این مقصودی ندارم که شما جوانان و بزرگسالان را متقاعد سازم که نباید جسم و مال و ثروت را بر کمال نفس خود ترجیح دهید و به شما یادآوری کنم که ثروت، فضیلت نمی آورد، بلکه از فضیلت است که ثروت و هرچه که برای فرد و جامعه سودمند است.

من هیچ گاه از بیدار ساختن، پند دادن و حتی سرزنش کردن یکایک شما باز نمی ایستم و شما همه جا مرا در کنار خود می یابید. من کسی نیستم که برای پول سخن بگویم یا به خاطر آن، لب از گفتار فرو بندم. من هم با تهی دستان و هم با توانگران همنشینی می کنم تا از من پرسند و به سخنان من گوش فرا دهند... این رسالتی است که خداوند با ندهای غیبی و در رؤیاها برعهده من نهاده است.

سقراط در برابر دادگاه

اتهامات سقراط :

سرانجام مقامات حکومتی سقراط را به اتهام:

(۱) فاسد کردن جوانان

(۲) بی ایمانی به خدایان

بازداشت کردند و او را محاکمه نمودند.



پویش علمی  
ماندگارالبرز



**سقراط :** کاوش و جستجوی من برای شناخت کسانی که ادعای دانشمند بودن دارند ، و جدا کردن آنها از کسانی که دانشمند حقیقی هستند ، سبب شده که گروه بزرگی به غلط مرا «دانا» بنامند، در حالی که من دانا نیستم . فقط شاید به این دلیل که وقتی نادانی کسی را آشکار می کنم ، کسانی که آنجا حاضرند ، گمان می کنند که آنچه را آنها نمی دانند ، من می دانم . در حالی که دانای حقیقی فقط خدا است . داناترین شما آدمیان کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی داند.

ای مردم! کسی که راه درست را یافت و آن را در پیش گرفت، هرگز نباید از خطر هراسی به دل راه دهد. اکنون که خداوند مرا مأمور کرده تا در جست و جوی دانش بکوشم و آن را به دیگران بیاموزم، آیا پسندیده است که از ترس مرگ یا هر خطر دیگری از فرمان الهی سربتایم؟ بلی! اگر چنین گناهی از من سرزند، سزاوار است که دادگاهی تشکیل دهند و بگویند سقراط به خدا اعتقاد ندارد. ارتکاب آن گناه دلیل بر سرپیچی از امر خداست؛ در آن صورت مدعی داشتن دانشی شده ام که در حقیقت فاقد آن هستم.

آتئیان! گریز از مرگ دشوار نیست، اما گریز از بدی دشوار است؛ زیرا بدی تندتر از مرگ می دود. من پیر و ناتوان به دام مرگ افتادم؛ ولی مخالفان من، با همه چُستی و چالاکی، در چنگال بدی گرفتار آمدند.

نظر سقراط درباره مرگ: اگر مرگ انتقال به جهانی دیگر است و اگر این سخن راست است که همه در گذشتگان در آنجا گرد آمده اند، پس چه نعمتی بالاتر از اینکه آدمی از این مدعیان که عنوان قاضی بر خود نهاده اند، رهایی یابد و با داوران دادگر آن جهان روبه رو شود و با نیکان و بلند مرتبگان همنشین گردد! اگر مرگ این است، حاضرم بارها به کام مرگ روانه شوم.

اکنون وقت رفتن فرا رسیده است؛ من به سوی مرگ می روم و شما به سوی زندگی. نصیب کدام یک از ما بهتر است؟ جز خدا کسی نمی داند. سیسرون، فیلسوف و خطیب بزرگ رومی (متولد ۱۰۶ پیش از میلاد) درباره سقراط می گوید: او فلسفه را از آسمان به زمین آورد و آن را به خانه ها و شهرها برد. او فلسفه را وادار کرد تا به زندگی، اخلاقیات و خیر و شر بپردازد.



## درس‌نامه

مقصود اصلی سقراط  
از گشت و گذار  
در شهر

متقاعد ساختن مردم برای توجه به فضیلت

انگیزه اصلی سقراط

رسالتی که از جانب خداوند  
برعهده داشت.

مأموریت سقراط  
از نظر خودش

جستجوی دانش و آموزش  
آن به دیگران.

رسالت الهی سقراط

پند دادن و بیدار کردن انسان‌ها و هم‌نشینی  
با تهی‌دستان و توانگران.



منبع: کتاب بانک سوال فلسفه ۱ – ماز



## نمونه سوالات تشریحی درس ۵

۱- صحیح و غلط را در جملات زیر مشخص کنید :

الف) سقراط و سوفطائیان هر دو با گفتن «چیزی نمی دانم» به نادانی خود و ناتوانی در رسیدن به حقیقت اقرار می کردند. (نادرست)

ب) سقراط، مصداق موجودات بیرون غار در تمثیل افلاطون است. (نادرست - باورهای درست و موجودات عالم مثل، مصداق موجودات بیرون غار هستند.)

۲- کدام عبارت را می توان از دفاعیه سقراط نتیجه گرفت؟

الف) منشا همه بدی‌ها و نراستی‌ها انسان است. ب) هرکس خدا را باور داشته باشد، باید صفات او را بپذیرد.

پاسخ : الف

۳- نظر سقراط درباره رابطه ثروت و فضیلت چه بود ؟

پاسخ : ثروت فضیلت نمی آورد بلکه از فضیلت است که ثروت و هر چه برای فرد سودمند است به دست می آید.

۴- روش سقراطی را تعریف کنید.

پاسخ : سقراط روش ثابتی داشت مفاهیم مهم را برمی‌گزید و در باره‌اش پرسش می‌کرد، مثال دوستی یا شجاعت چیست؟ وقتی کسی پاسخ می‌داد با توجه به پاسخ او

سؤال دیگری طرح می‌کرد به طوری که مخاطب را به حقیقت می‌رساند و آنچه حق بود از زبان پاسخ دهنده به دست می‌آورد. این روش گفت‌وگو و پرسش و پاسخ به روش سقراطی شهرت یافت.

۵- چرا سقراط خود را سوفیست ننامید و به جای آن از چه لفظی استفاده کرد؟

پاسخ : سقراط به سبب تواضع و فروتنی در برابر دانایی و علم و شاید به خاطر هم ردیف نشدن با سوفیستها، مایل نبود او را سوفیست یا دانشمند بخوانند از این رو خود را فیلسوفوس (فیلسوف) یعنی دوستدار دانش نامید.

## درس ۶: امکان شناخت



پویش علمی  
ماندگارالبرز



ویژگی انسان شناخت است .

از طریق شناخت :

۱- شناخت اشیاء پیرامون خود

۲- ارتباط با آنها

۳- استفاده از اشیاء پیرامون

Δ نکته : شناخت فقط مخصوص به اشیاء مادی نیست ، بلکه :

درباره گذشته و آینده، یا درباره موجودات نامحسوس و جهانی غیر از جهان مادی می اندیشیم و برای خود نظر و باوری هم داریم.

ویژگی های شناخت انسان

۱- شناخت ما به تدریج افزایش می یابد. ما در آغاز تولد چیزی نمی دانیم، بلکه گام به گام با پدیده های جهان آشنا می شویم؛ یعنی با عمل آموختن و یادگیری،

در مسیر شناخت بیشتر پیش می رویم.

۲- همچنین ما می دانیم که علی رغم گستردگی شناخت و فهم ما از جهان و خود، باز هم شناخت ما بسیار محدود است؛ یعنی ما آگاه هستیم که در کنار دانسته ها و

آموخته ها، حقایق فراوان دیگری هم در عالم هست که آنها را نمی دانیم و نمی شناسیم.

۳- گاهی متوجه می‌شویم که بعضی از دانسته‌های ما درست نبوده و دچار خطا شده‌ایم. همچنان که گاهی متوجه می‌شویم که افراد مختلف درباره‌ی موضوع واحد نظرها و باورهای متفاوت دارند و ما می‌کوشیم که بدانیم از میان آن نظرها، کدام درست و کدام غلط است.



پویش علمی  
ماندگارالبرز

پس ویژگی‌های شناخت انسان به شکل خلاصه :

۱- تدریجی بودن / ۲- محدود بودن / ۳- خطاپذیر بودن



سوالات مطرح شده در معرفت‌شناسی

— شناخت چیست؟

— آیا شناخت اساساً ممکن است؟ شناخت‌های ما تا چه اندازه ارزش دارند؟

— راه‌های شناخت کدام‌اند؟

— حدود و قلمرو شناخت چقدر است؟

— چرا میان شناخت افراد از یک موضوع تفاوت وجود دارد؟

## توضیحی درباره معرفت‌شناسی

بخشی از فلسفه است که به پدیده‌شناخت می‌پردازد و می‌کوشد به این گونه پرسش‌ها پاسخ دهد. معرفت‌شناسی همیشه جزئی از فلسفه بوده است. هنگامی که فیلسوفی درباره موضوعاتی مانند هستی، جهان و انسان می‌اندیشد، ناگزیر درباره خود اندیشیدن و شناخت نیز دیدگاهی دارد.



پویش علمی  
ماندگارالبرز



تئوری شناخت (از کتاب هفت روز با فلسفه) نوشته مل تامسون:

تئوری شناخت، این مسئله را بررسی می‌کند: چه می‌دانیم و چگونه آن را می‌دانیم؟

این تئوری می‌پرسد: «شناخت از ذهن آغاز می‌شود یا از حواس؟» همان طور هم که می‌دانیم، دکارت می‌گفت یگانه چیزی که ما می‌توانیم به یقین بدانیم واقعیت اندیشیدن خودمان است (من می‌اندیشم، پس هستم). حال آن که به نظر هیوم ما باید باورهایمان را با شواهد تجربی هماهنگ کنیم و کانت نشان داد این ذهن خود ماست که به نحوه تجربه مان از جهان شکل می‌دهد.

تأثیر ایمانوئل کانت بر معرفت‌شناسی

توجه ویژه کانت، فیلسوف قرن هجدهم آلمان، به شناخت سبب شد که شاخه «معرفت‌شناسی» فلسفه رشد بیشتری کند و فیلسوفان بیشتری در دوره جدید بدان بپردازند.

تفاوت معرفت شناسی در گذشته و اکنون :

در گذشته برخی از مباحث معرفت شناسی در ضمن مباحث فلسفی طرح می شد اما امروزه به علت طرح پرسش های جدی و جدید درباره معرفت و ظهور دیدگاه های گوناگون، این بخش از فلسفه به صورت شاخه مستقلی در آمده که به آن «معرفت شناسی» یا «نظریه معرفت» می گویند .

چیستی معرفت

معنا و مفهوم معرفت و شناخت، روشن است و نیازی به تعریف ندارد.

امکان معرفت

امکان معرفت ، یعنی اینکه ما قادر به شناخت جهان اطراف خود هستیم ، امری بدیهی است .

نظر سوفیست ها درباره معرفت

سوفیست ها که به علت استفاده از مغالطه های مختلف در گفت و گوها و در محاکم قضایی هر باطلی را حق جلوه می دادند، به تدریج به این نظر رسیدند که انسان توانایی رسیدن به حقیقت را ندارد و نمی تواند به علمی که مطابق با واقع باشد، برسد.

گرگیاس

{اولا: چیزی وجود ندارد. ثانيا: اگر هم چیزی وجود داشته باشد، برای انسان قابل شناخت نیست و انسان ابزار شناخت آن را ندارد. ثالثا: اگر برای انسان قابل شناخت باشد، نمی تواند آن را به دیگری بیاموزد و منتقل نماید }



پویش علمی  
ماندگارالبرز





پویش علمی  
ماندگارالبرز



### شکاکیت مطلق ( آیا شک مطلق ممکن است ؟ )

پس هم معنای معرفت و هم امکان رسیدن به آن برای هر انسانی روشن است و شکاکیت مطلق، یعنی شک در اصل دانستن و همه دانسته‌ها، امکان پذیر نیست و اگر کسی چنین نظری بدهد، گرفتار یک تناقض شده و همین نظر او با شک مطلق سازگار نیست.

پیشرفت پیوسته دانش انسان

۱- از طریق حل مجهولات و دستیابی به اطلاعات جدید در مورد عناصر و پدیده‌های جهان و گشودن شاخه‌های جدید دانش.

۲- از طریق پی بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح آنها.

(هیچ چیز را نمی‌توان گفت)

دارد شک را

مفهوم

تعریف شکاکیت مطلق و شکاکیت نسبی :

**شکاکیت مطلق** : یعنی شک در اصل شناخت و همه دانسته‌ها، مثلاً اینکه بگوییم «هیچ شناختی ممکن نیست.»

**شکاکیت نسبی** : یعنی شک در محدوده خاصی از شناخت، مثلاً اینکه بگوییم «هیچ شناختی از خوب و بد اخلاقی ممکن نیست»

تفاوت امکان معرفت و چیستی معرفت :

امکان معرفت : یعنی آیا بشر، توانایی شناخت و معرفت را دارد؟ پاسخ : بدیهی است و نیازی به استدلال ندارد.

چیستی معرفت : یعنی معنای «معرفت» و «شناخت» چیست؟ پاسخ : بدیهی است و نیازی به تعریف ندارد.

## نمونه سوالات تشریحی درس ۶

پویش علمی  
ماندگارالبرز

۱- جملات صحیح و غلط را در عبارات زیر مشخص کنید:

الف) وجود اشتباه در شناخت، به طور طبیعی به معنای ناتوانی در کسب معرفت تلقی می‌شود. (نادرست)

ب) قانون علیت اساس تجربه است؛ یعنی علیت از تجربه به دست می‌آید. (نادرست)

ج) «معرفت شناسی» بخشی از فلسفه است که به خود پدیده شناخت می‌پردازد. (درست)

۲- عبارات زیر را با کلمات مناسب کامل کنید:

۱) شک در اصل دانستن و همه دانسته‌ها، با..... سازگار نیست. (شک مطلق / با امکان شناخت)

۲) ارسطو..... را معتبر می‌دانست، اما..... را یک کار عقلی معتبر می‌شمرد. (استدلال / تصدیقات و تصورات)

۳) مسئله شناخت و میزان انطباق آن با..... مورد توجه دانشمندان پیش از سقراط قرار گرفته بود. (واقعیت)

۳- مفاهیم ستون سمت راست را به مفاهیم ستون سمت چپ مرتبط کنید. (در سمت چپ یک مورد اضافی است.)

الف) استفاده از اشیا برای رفع نیازهایمان

۱) تدریجی بودن شناخت

ب) فراگیرتر بودن شناخت انسان از مسائل محسوس

۲) توانایی شناخت

ج) آغاز فرآیند شناخت انسان و پیشرفت انسان از بدو تولد

۳) ارزش شناخت

۴) محدوده شناخت

الف) ۲ ب) ۴ ج) ۱



پویش علمی  
ماندگارالبرز



۴- به سوالات زیر پاسخ دهید :

۱- سه ویژگی شناخت را نام ببرید .

پاسخ : تدریجی / خطاپذیر / محدود

۲- دانش بشر به دو صورت پیشرفت می کند ، نام ببرید.

پاسخ : از طریق حل مجهولات و دستیابی به اطلاعات جدید . ۲- از طریق پی بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح آنها.

۳- شکاکیت مطلق به چه معنا است ؟

پاسخ : شکاکیت مطلق ، یعنی شک در اصل دانستن و همه دانسته ها ، که امکان پذیر نیست .

## درس ۷: ابزارهای شناخت

پویش علمی  
ماندگارالبرز

در وجود انسان ابزارهایی برای شناخت وجود دارد. فیلسوفان تلاش می کنند:

الف) این ابزارها را شناسایی کنند

ب) قلمرو کاربرد آنها را معین نمایند.

۱- حس

یکی از ابزارهای شناخت ما حس است.

ما به کمک حواس پنج گانه :

(۱) با عالم طبیعت آشنا می شویم.(۲) بسیاری از موجودات و ویژگی های آنها را می شناسیم.

آیا در شناخت حسی خطا اتفاق می افتد ؟

بله ! گاهی در شناخت حسی خطا رخ می دهد.

۱) استدلال ← ندارد .  
 ۲) تعریف ← ندارد .  
 ۳) تجربه ← ندارد .  
 ۴) حدس ← ندارد .  
 ۵) روش ← ندارد .



پویش علمی  
ماندگار البرز



چرا با وجود خطا در شناخت حسی، این شناخت همچنان برای ما معتبر است؟

① بر پایه آن زندگی می‌کنیم و از اشیای طبیعی بهره می‌بریم.

② نیازهایمان را بر طرف می‌سازیم.

س + عقل  
اشتباه خود را تصحیح دهد

Δ نکته: یکی از نشانه‌های ارزش و اعتبار شناخت حسی:

توانایی حس در شناخت تفاوت‌ها و تمایزها

توضیح:

شناخت تمایزها و تفاوت‌های اشیاء این امکان را به انسان می‌دهد که به کمک عقل خود از اشیای متفاوت استفاده‌های مختلف بکند؛ مثلاً اگر در مقابل ما یک لیوان آب و یک ظرف غذا باشد، برای رفع تشنگی لیوان آب را بر می‌داریم و برای رفع گرسنگی به سراغ ظرف غذا می‌رویم. این عمل به ما می‌فهماند که ما در تشخیص لیوان آب و ظرف غذا اشتباه نکرده ایم.

۲- عقل

انسان دارای قوه‌ای است که با آن تفکر و تعقل می‌کند. او با کمک این قوه می‌تواند حقایق را درک کند که توانایی درک آن از راه احساس ممکن نیست. این حقایق، هم می‌تواند:

۱- امور محسوس و طبیعی را شامل شود.

۲- هم امور غیر محسوس و غیر طبیعی را در بر می‌گیرد.

تاریخ (نزهت - آینه)  
فرشتگان - خدا - طبیعت

## الف) شناخت تجربی

عقل با کمک حواس و تحلیل عقلانی یافته‌های حسی می‌تواند به بسیاری از اسرار و رموز طبیعت پی ببرد و قوانین طبیعی را بشناسد. این نوع شناخت را که عقل با همکاری حس به دست می‌آورد «شناخت تجربی» می‌گوییم.

← قوانین علم

شناخت تجربی بر چند قاعده عقلی مهم نیز استوار است و دانشمند در هنگام بررسی داده‌های حسی، آن قاعده‌ها را در نظر دارد و از آنها بهره می‌برد.

روش استقرائی یعنی ← روش علم

برخی از این قواعد عبارت‌اند از: ← قواعد عقلی (را به است)

- ۱- پدیده‌ها خود به خود پدید نمی‌آیند، بلکه هر پدیده‌ای نیازمند علت است.
  - ۲- هر پدیده علتی ویژه دارد، و از هر چیزی، هر چیزی پدید نمی‌آید.
  - ۳- طبیعت، همواره یکسان عمل می‌کند. (اصل سنخیت علی و معلولی)
  - ۴- معلول از علت تامه خود، ضرورتاً صادر خواهد شد (اصل وجوب یا ضرورت علی و معلولی)
- اولین اندیشمند پایه گذار مبانی علوم تجربی

از **ارسطو** اولین دانشمندانی است که مبانی علوم تجربی را پایه گذاری کرد.

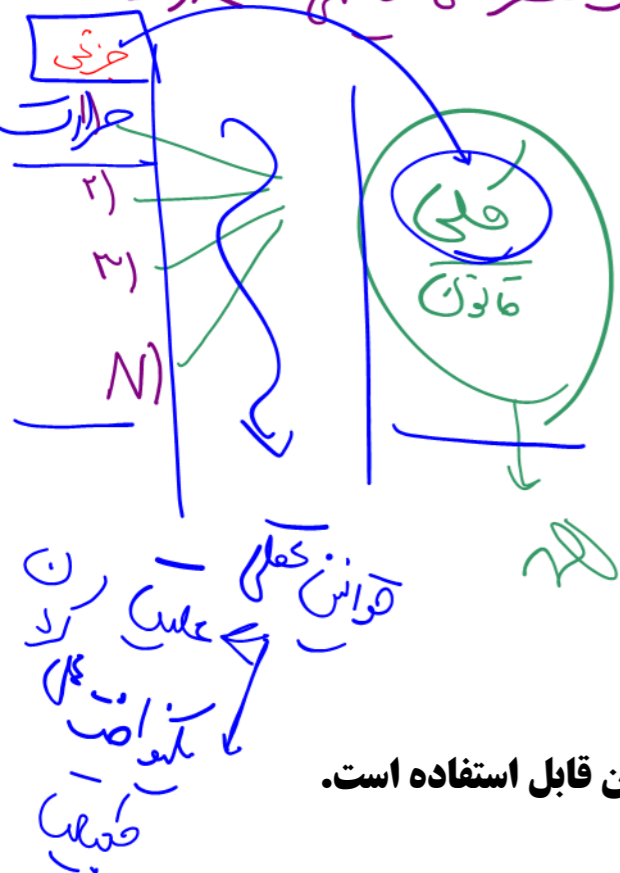
و، که شاگرد افلاطون بود، علاوه بر تبحر در فلسفه، یک دانشمند علوم طبیعی نیز شمرده می‌شد.

دانشمند دیگری که در توضیح و تبیین قواعد عقلی علوم طبیعی نقش بسزایی دارد، **ابن سینا** است.

وی در گسترش اندیشه‌های ارسطو درباره قانون علیت و ابعاد مختلف آن تأملات عمیقی کرد و توضیحاتی بیان نمود که همچنان قابل استفاده است. نظر ابن سینا درباره علیت:



پویش علمی  
ماندگارالبرز



ابن سینا توضیح داد که قانون علیت از تجربه و آزمایش به دست نمی‌آید، بلکه برعکس، خودش پایه و اساس هر تجربه ای است. این قانون، یکی از قواعد اولیّه تعقل است که انسان در شناخت هر پدیده ای از آن استفاده می‌کند.

چشمه‌های تجربه (حس و عقل)

ب) حالات درونی

نیروی عقل، علاوه بر استفاده از حواس بیرونی، مانند چشم و گوش، می‌تواند حالات درونی نفس مانند شادی، درد، محبت، دشمنی، عصبانیت و خوشحالی را شناسایی کند و درباره آنها نظر دهد. مثلاً انسان می‌تواند به کمک عقل خود، علل پیدایش شادی و افسردگی را کشف کند و درباره آنها توضیح دهد.

(خوشحال ← چرا خوشحال هستم؟)

ج) شناخت عقلی

علاوه بر موارد فوق، عقل قادر است بدون استفاده از یافته های تجربی و صرفاً با تفکر و چینش استدلال، به حقایق برسد و دانش هایی را پایه گذاری کند. به این قبیل دانش ها «شناخت عقلی» می‌گوییم.

مانند: ریاضیات / الهیات / فلسفه

فلسفه نیز همین گونه است. دانستنی‌های این دانش از طریق حواس و تجربه به دست نمی‌آیند؛ بلکه فقط از طریق تعقل محض می‌توان به آنها رسید. مثلاً ذات و صفات خداوند را نمی‌توان با حس و تجربه درک کرد و شناخت آنها مستلزم بهره گیری از قواعد شناخت عقلی است.

فقه عقل



پویش علمی  
ماندگارالبرز



## ۳- قلب

- (۱) قلب یا دل بی واسطه می تواند به کشف حقایق برسد.
- (۲) نام این معرفت ، معرفت شهودی است .
- (۳) این معرفت از طریق تعالی بخشیدن به نفس و تهذیب آن و کمال طلبی همراه با عبادت خالصانه ، به تدریج حاصل می شود
- (۴) تعریف معرفت شهودی : معرفت شهودی یک معرفت بی واسطه است؛ یعنی بدون استفاده از تجربه و آزمایش و بدون استدلال عقلی در قلب تجلی می کند. البته همان طور که گفتیم، برای دریافت چنین معرفتی سیروسلوک و تهذیب نفس ضروری است.

وحی الهی، برترین شهود

۱- یکی از شهودهای قلبی وحی الهی است.

۲- این شهود ویژه پیامبران است و خداوند از طریق وحی و به واسطه پیامبران، معارفی را در اختیار بشر قرار می دهد.

۳- نام آن : معارف و حیانی

۴- در شهود و حیانی ، خداوند حقایق و معانی و حتی کلمات و عبارات خود را بر قلب پیامبر نازل می کند .

پویش علمی  
ماندگارالبرز

## نمونه سوالات تشریحی درس ۷

پویش علمی  
ماندگارالبرز

۱- صحیح و غلط را در عبارات زیر مشخص کنید:

(۱) «افلاکون» از اولین دانشمندانی است که مبانی علوم تجربی را پایه گذاری کرد. (نادرست)

۲- شناخت ذات و صفات خداوند مستلزم بهره‌گیری از قواعد شناخت قلبی است. (نادرست)

(۳) از آنجا که دکارت مخالف با تجربه و علم تجربی نبود، پس می‌توان گفت: «او نیز تجربه گرا است.» (نادرست)

(۲) جای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.

۱- انسان با قوه تفکر خود ..... استدلال ..... می‌کند یعنی از ..... و ..... خود کمک می‌گیرد و آن را سامان می‌دهد. (ادراک حسی / استدلال عقلی)

۲- شناختی که عقل با همکاری حس و تحلیل عقلانی یافته‌های حسی به دست می‌آورد ..... می‌گویند. (شناخت تجربی)

۳- نوع شناخت مناسب برای موارد زیر تشخیص دهید.

الف) جذر عدد ۵ ← شناخت عقلی (ریاضیات)

ب) عامل ایجاد بیماری کرونا ← شناخت تجربی

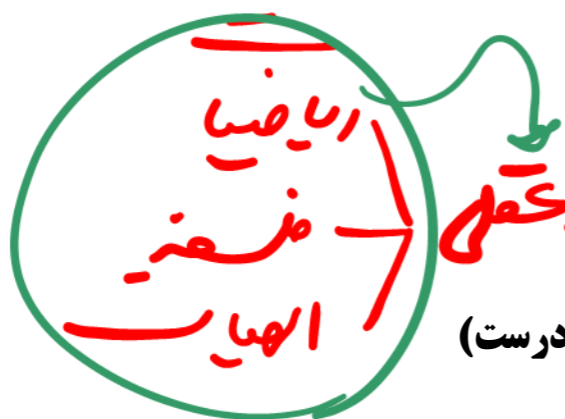
پاسخ: الف) شناخت عقلی ب) شناخت تجربی

۴- پاسخ تشریحی دهید

۱- شناخت تجربی را تعریف کنید و بگویید که «یکسان عمل کردن طبیعت» یک قاعده عقلی است یا تجربی؟

پاسخ: (عقل) با (کمک حواس) و (تحلیل عقلانی) یافته‌های حسی می‌تواند به بسیاری از اسرار و رموز طبیعت پی ببرد و قوانین طبیعی را بشناسد. این نوع شناخت که حاصل همکاری عقل و حس است، شناخت تجربی است.

توانستن حکم



پویش علمی  
ماندگارالبرز

پویش جهاد علمی دبیرستان ماندگارالبرز

۲- یکی از نشانه‌های ارزش و اعتبار شناخت حسی را بنویسید.

پاسخ: توانایی حس در شناخت تفاوت‌ها و تمایزها است.

۳- نظر ابن سینا درباره قانون علیت چیست؟

پاسخ: این سینا توضیح داد که قانون علیت از تجربه و آزمایش بدست نمی‌آید، بلکه خودش پایه و اساس هر تجربه‌ای است. قانون علیت، یکی از قواعد اولیه تعقل است که انسان در شناخت هر پدیده‌ای از آن استفاده می‌کند.

۴- یکی از اشکالات روش تجربی را بنویسید.

پاسخ: یکی از این اشکالات محدودیت‌های روش تجربی این بود که نمیتوانست پاسخگوی سؤالات مهم انسان باشد، مثال درباره‌ی نیاز جهان به مبدأ و وجود عوالم دیگر غیر از طبیعت و اخلاق اظهار نظر کند چون ابزارهای لازم را نداشت.

۵- چرا شناخت شهودی را به این نام می‌نامند؟

پاسخ: بدان جهت که قلب انسان حقیقت را چنان درمی‌یابد که گویا با چشم می‌بیند، عارف ممکن است در همین دنیا آخرت را مشاهده کند. علاوه بر عالم طبیعت، سایر عوالم را مشاهده کند و وجود فرشتگان را هم واقعا دریابد این نوع مشاهدات با شهود قلبی است و از راه چشم به دست نمی‌آید.

۶- (معارف و حیانی) با (شهود و حیانی) چه تفاوتی دارد؟

پاسخ: در معارف و حیانی خداوند از طریق وحی و به واسطه پیامبران، معارفی را در اختیار بشر قرار می‌دهد. اما در شهود و حیانی، خداوند حقایق / معانی / کلمات را خود را بی واسطه بر قلب پیامبر نازل می‌کند.

انتقال داده می‌شود به شریعت

شهود و صفا

خردی، شفه (حضرت عیسی)

انتقال داده می‌شود به شریعت

معارف و صفا

↓ بن مردم

در فهم معارف و صفا امکان آنبه حسب

مبدأ  
A → B  
منزله  
عقل

## درس ۸ : نگاهی به تاریخچه معرفت



پویش علمی  
ماندگارالبرز



دوره های تاریخی فلسفه

- ۱- دوره یونان باستان که شامل فیلسوفان پیش از سقراط و بعد از وی از جمله افلاطون و ارسطو و شاگردان این دو می شود.
- ۲- فیلسوفان اروپایی دوره قرون وسطی تا ابتدای رنسانس و آغاز دوره جدید در اروپا.
- ۳- دوره شکوفایی فلسفه در جهان اسلام و ایران، با ظهور فیلسوفانی مانند فارابی، ابن سینا، ابن رشد، شیخ اشراق و ملاصدرا.
- ۴- دوره جدید اروپا که از رنسانس با ظهور فیلسوفانی مانند فرانسیس بیکن، دکارت، کانت و هگل آغاز می شود و تا کنون ادامه دارد..

الف) دوره یونان باستان

آغاز اختلاف : حس یا عقل

بی اعتباری کل معرفت

اعتبار حس و عقل

آغاز اختلاف : حس یا عقل

دانشمندان و متفکرین پیش از سقراط، از اولین کسانی بودند که درباره شناخت انسان و ارزش و اعتبار آن نظر داده اند .

در این دوره معرفت شناسی به صورت مستقل مطرح نبوده است .



پویش علمی  
ماندگارالبرز



توجه: معرفت شناسی در این دوره به مسئله شناخت و میزان انطباق آن با واقعیت مورد توجه دانشمندان بوده است.

بیشتر این دانشمندان به شناخت حسی اهمیت می دادند و توجه کمتری به شناخت عقلی داشتند.

تفاوت دو اندیشمند پیش از سقراط درباره منشأ معرفت

هراکلیتوس:

۱- علاوه بر حس به عقل هم اهمیت می داد.

۲- شناخت حسی اعتبار دارد و ما وجود حرکت در این جهان را از طریق حس در می یابیم و درک می کنیم.

پارمنیدس: شناخت حسی به دلیل خطاهایی که گاه در حواس رخ می دهد، اعتبار ندارد و نمی توان بدان تکیه کرد. به همین جهت پارمنیدس معتقد بود که

حرکت وجود ندارد و همه اشیا در ثبات و پایداری هستند.

بی اعتباری کل معرفت (سوفسطائیان)

سوفسطائیان:

۱- اصل امکان شناخت واقعیت را زیر سؤال می بردند.

۲- نه از راه حس و نه از راه عقل، می توان به حقیقت رسید.

۳- اگر چیزی را حس می کنیم بدان معنا نیست که حس ما از یک واقعیت بیرونی خبر دهد. به عبارت دیگر، ما چیزی جز احساس در اختیار نداریم.

نظر پروتاگوراس:

۱- حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی

می دهد خواه حواس افراد یکسان گزارش دهد یا متفاوت.



پویش علمی  
ماندگارالبزر



۲- بنابراین حقیقت امری یکسان نیست و نسبت به هر کسی می‌تواند متفاوت باشد.

۳- اشیا، هر طوری که در هر نوبت به نظر من می‌آیند، در آن نوبت همان طور هستند و هر طور که به نظر تو می‌آیند، برای تو نیز همان طور هستند.  
اعتبار حس و عقل

سهم افلاطون و ارسطو در مخالفت با سوفسطائیان

ارسطو: با تدوین منطق گامی مهم در این زمینه برداشت و توانست قواعد استدلال و شیوه‌های مصون ماندن از خطا و مغالطه را آموزش دهد و مانع رشد سفسطه در جامعه شود.

افلاطون: که به عقل اهمیت می‌داد، عقیده داشت که شناخت عقلی بسیار مطمئن‌تر از شناخت حسی است و اموری را که عقل درک می‌کند، ارزش برتری دارد. او باور داشت که عقل می‌تواند جهانی برتر از جهان طبیعت را بشناسد و برای آن استدلال ارائه نماید. وی نام این جهان برتر را عالم مُثُل نامید. از نظر او عالم طبیعت سایهٔ عالم مُثُل است؛ افلاطون شهود قلبی را هم باور داشت و معتقد بود که سقراط آن عالم برتر را مشاهده کرده است.  
شبهات افلاطون و ارسطو در بحث معرفت

ارسطو نیز گرچه ادراک حسی را معتبر می‌دانست، اما استدلال کردن را یک کار عقلی معتبر می‌شمرد. به نظر او عقل می‌تواند به اموری ماورای حس پی‌ببرد و آنها را اثبات نماید.

(ب) دورهٔ شکوفایی فلسفه در جهان اسلام و ایران

تداوم اعتبار حس و عقل

توجه به شهود در فلسفه

بهره‌مندی از همهٔ ابزارهای معرفت



پویش علمی  
ماندگار البرز



در این دوره فیلسوفان بزرگی ظهور کردند که همگی سه ابزار حس و عقل و قلب را معتبر می‌دانستند، با این تفاوت که برخی از آنها بیشتر دربارهٔ حس و عقل (فیلسوفان مشاء) سخن گفته‌اند، برخی به شهود قلبی (سهروردی) توجه ویژه کرده‌اند و برخی نیز میان حس و عقل و قلب و شهود و حیانی پیوند برقرار ساخته (ملاصدرا) و از هر سه بهره برده‌اند.

تداوم اعتبار حس و عقل

حکیم ابونصر فارابی و شیخ الرئیس ابن سینا

۱- هم حس و عقل را معتبر می‌دانستند.

۲- برای شناخت و حیانی هم اعتبار خاص قائل بودند.

۳- نیم‌نگاهی به شناخت شهودی داشتند اما آن را در تبیین فلسفی خود به کار نمی‌بردند.

توجه به شهود در فلسفه (سهروردی)

۱- به معرفت شهودی تأکید بسیاری کرد.

۲- کوشید، آنچه را که از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی به دست آورده بود، تبیین استدلالی کند.

۳- نظام فلسفی خود را بر پایهٔ آن شهودها بنا نماید.

بهره‌مندی از همهٔ ابزارهای معرفت

(ملاصدرا-صدرالمتألهین)

۱- پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت و حیانی برقرار کرد.

۲- اثبات کرد که نه تنها تضاد و تناقضی میان داده‌های مستدل و یقینی عقل و معارف و حیانی وجود ندارد بلکه عقل و وحی تأیید کنندهٔ یکدیگرند.

۳- مهم‌ترین کتاب: اسفار اربعه



پویش علمی  
ماندگارالبرز



(ج) دوره جدید اروپا

دو جریان فکری در دوره جدید اروپا

(۱) توجه به تجربه

(۲) توجه به عقل

حرکت به سوی تجربه گرایی مطلق

رشد اندیشه نسبی گرایی

ظهور پراگماتیسم

شاخصه های اصلی این دوره چیست؟

(۱) اروپا به تدریج از حاکمیت کلیسا خارج می شود.

(۲) علوم تجربی گسترش می یابد .

(۳) در حوزه های مختلف اجتماعی، از جمله سیاست، فرهنگ و فلسفه تحولات زیادی رخ می دهد.

توجه به تجربه (شروع از قرن ۱۶ میلادی)

پیشگامان : دکارت و فرانسیس بیکن

در این دوره نزاع بر سر چه چیزی بود ؟

در کسب معرفت، آیا حس و تجربه (تجربه گرایان) ارزش و اعتبار بیشتری دارد و بهتر ما را به حقایق می رساند یا استدلال عقلی (عقل گرایان)؟

فرانسیس بیکن (تولد - ۱۵۶۱ / لندن)

جان لاک ( اصالت تجربه )

فیلسوفان گذشته با دنباله روی از ارسطو، بیشتر بر استدلال عقلی تکیه کرده بودند و همین امر سبب شده بود که علوم تجربی در خرافات و تعصب های بیجا محصور بماند و پیشرفت نکند.

توجه به عقل

رنه دکارت (۱۵۹۶ / تورن فرانسه)

- به تفکر عقلی اهمیت بسیار می داد.
- به باور او : عقل انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که از تجربه به دست نیامده اند.
- مانند : (۱) معرفت به وجود نفس مجرد (۲) وجود خدا.
- توجه :
- دکارت تجربه را انکار نمی کرد و خود از دانشمندان تجربی بود .
- تفاوت دکارت با تجربه گرایان :
- آنچه وی را از تجربه گرایان جدا کرد، قبول گزاره ها و قواعد عقلانی بود که از طریق تجربه قابل دستیابی نبودند و فقط متکی بر استدلال عقلی بودند.



پویش علمی  
ماندگارالبزر



ایمانوئل کانت

معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است.

کانت بر آن است که قوه ادراکی انسان تصوراتی مثل زمان و مکان و مفاهیمی مانند علیّت را نزد خود دارد (ساختار فاهمه) و آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی آورد.

به نظر کانت، انسان آنچه را که از طریق حس (داده های تجربی) به او می رسد، در قالب این مفاهیم درک می کند.

حرکت به سوی تجربه گرایی مطلق

پوزیتیویسم (اثبات گرایی)

نظرات پوزیتیویست ها (آگوست کنت ۱۷۹۸- فرانسه):

۱- تنها راه رسیدن به شناخت و معرفت را تجربه می دانستند.

۲- اصولاً آن دسته از مفاهیم و گزاره ها که تجربه پذیر نیستند و از طریق تجربه نمی توانند مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرند، بی معنا هستند.

۳- مفاهیمی مانند خدا، اختیار، نفس و روح که تجربه درباره نفی یا اثبات آنها نمی تواند نظر دهد، معنای روشنی ندارند. لذا اصولاً قابل بررسی علمی نیستند.

رشد اندیشه نسبی گرایی

—نسبی گرایان بر این باورند که هر فرد متناسب با ویژگی های خود، درباره امور به شناختی می رسد که با شناخت افراد دیگر متفاوت است. بنابراین شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد.

—در این نگاه، قطعیت احکام تجربی از بین می رود.



پویش علمی  
ماندگارالبرز



پویش علمی  
ماندگارالبرز

پویش جهاد علمی دبیرستان ماندگارالبرز

ظهور پراگماتیسم (مصلحت عملی)

اندیشمندان پراگماتیست: ویلیام جیمز (۱۸۴۲- نیویورک) / هانری برگسون (۱۸۵۹- فرانسه)

– گرچه تنها ابزار شناخت اشیا، حس و تجربه است اما از طریق تجربه نمی توان به واقعیت اشیا رسید، بنابراین ما نباید هدف خود را کشف واقعیت قرار دهیم، بلکه ما نیازمند باورهایی هستیم که در عمل به کار ما بیایند و سودمندی خود را نشان دهند؛ مثلاً کسی که باور دارد آب در حال جوش، بسیار داغ است و دست را می سوزاند، به آب جوش دست نمی زند و دچار سوختگی نمی شود. پس این دانش در عمل برای ما مفید است و همین فایده، به معنی درست بودن است.

تاریخ معرفت‌شناسی

افراطیون

ارسطو

عقل در حس

شعرا و عرفا

عقل در حس

هشام (ابن سینا)

عقل در حس

عقل در حس

عقل در حس

دوران قرون وسطی

\*

دوران جدید (انسان)

عقل در حس

عقل در حس

عقل در حس

## نمونه سوالات تشریحی درس ۸

پویش علمی  
ماندگار البرز

پویش جهاد علمی دبیرستان ماندگار البرز

۱- مشخص کنید عبارت زیر درست است یا نادرست؟

پراگماتیسم به معنای نسبی گرایی است. (نادرست)

۲- به سوالات زیر پاسخ دهید:

۱- کدام فلاسفه مسلمان به شناخت شهودی اعتقاد داشتند ولی آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی کردند؟

پاسخ: فارابی و ابن سینا (همه ضیوفان مشاء)

۲- کدام فیلسوف اسلامی، کوشید معارف شهودی خود را تبیین استدلالی کند؟

پاسخ: سهروردی

۳- از نظر پوزیتیویسم سه مورد از مفاهیمی که قابل بررسی علمی نیستند را نام ببرید:

پاسخ: خدا - اختیار - روح

۴- از نظر پراگماتیست ها، ملاک درست بودن یک دانش چیست؟

پاسخ: ما نیازمند باورهای هستیم که در عمل به کار ما بیایند سودمندی خود را نشان دهند.

۵- نظر کانت در مورد معرفت چیست و راه رسیدن انسان به آن چگونه است؟

پاسخ: معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است. کانت بر آن است که (قوه ادراکی انسان) تصوراتی مثل زمان، مکان و مفاهیمی مانند علیت را نزد خود دارد و آنها

را از راه حس و تجربه به دست نمی آورد. به نظر کانت، انسان آنچه را که از طریق حس به او می رسد، در قالب این مفاهیم درک می کند.

نادرست

حق در حد تجربه

بی معناست

نسبی گرایی

پایه  
کاربرد (منفعت) حرکت  
۴ ۴



پویش علمی  
ماندگارالبرز



۶- عبارت زیر مرتبط با نظریه کدام یک از جریان‌های معرفت‌شناسی در اروپا است؟

الف) اعتقاد به خدا باعث کاهش افسردگی در زندگی می‌شود، پس اعتقاد درستی است. **محکوم**

ب) هیچ پدیده‌ای به خودی خود به وجود نمی‌آید. **عقل‌گرایی**

ج) شناخت من به غیر از خودم، برای شخص دیگری معتبر نیست.

پاسخ: الف) پراگماتیسم / اصالت عمل / عمل‌گراها (ب) عقل‌گرایی / دکارت / کانت (ج) نسبی‌گرایی ✓

## درس ۹: چیستی انسان (۱)

پویش علمی  
ماندگار البرز

یکی از مسائل مورد توجه فیلسوفان از ابتدای شکل‌گیری فلسفه تاکنون مسئله {حقیقت انسان} بوده است.

منظور از {من} چیست؟

جسم و بدن؟

عواطف و خاطرات؟

اندیشه و ذهن؟

الف) دوره یونان باستان

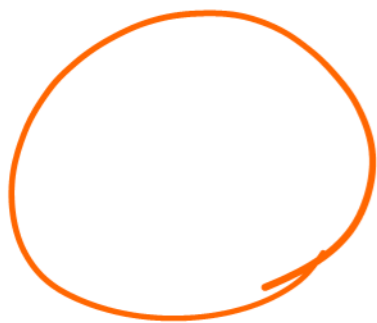
نظر افلاطون (سقراط) درباره انسان: ۱

۱- انسان، علاوه بر بدن، دارای حقیقتی برتر است که محدودیت‌های بدن را ندارد. این حقیقت برتر همان نفس است. که: ۱) قابل رؤیت نیست.

۲) نفس با ارزش‌ترین دارایی انسان است.

۲) توجه و مراقبت از نفس باید وظیفه اصلی هر انسانی باشد تا بدین وسیله نفس زیبا شود و به فضایل آراسته گردد.۳) تنها موجودی که به طور خاص دارای عقل و خرد است، نفس است و این نفس چیزی نامرئی است.

بدن

ارالحوت میزان از صیوان  
عقل اوست

نفس





پیش رو

۲- روح و بدن مجزا از یکدیگر اما مرتبط به هم هستند .

**۴- نفس، به تدریج این امور را کسب می کند و به فعلیت می رسد.**

منکرین وجود نفس: ماتریالیست ها ( مارکس – توماس هانز ) / داروینست ها

91 (خواب) م (ن) (هوايا)

• Time

ی گیرد و استدلال را سامان می دهد.

ن

و محقق به صریحاً به نام روح + صریحاً مسلمان

+ تحریر بر این (به عنایت از ویساک همین در برین)

۵- روح از بدن استفاده می کند. **و این را به برعکس نیست.** **ملاصدرا این را به (بدن در روح) روح فرشته است.**

۶- روح از قوانین فیزیکی آزاد است ولی بدن مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی تبعیت می کند و آزاد نیست.

**نظر کانت درباره انسان:** **آدمی مجرد است (بدن ماده)** **اثبات نفس در نظر کانت:** **زمان مندر مکان مندر بدن** **مستوی**

انسان یک موجود اخلاقی و برخوردار از وجدان اخلاقی است و یک چنین ویژگی بدون وجود اختیار و اراده آزاد معنا ندارد. اختیار نیز ویژگی نفس است، نه بدن که یک امر مادی است. **مادار او**

نظر ماتریالیست ها درباره انسان:

ماتریالیست ها چه باوری درباره انسان دارند؟

همه موجودات و از جمله انسان فقط یک بعد و یک ساحت دارند که همان بعد مادی و جسمانی است. آنان می گویند ذهن و روان هم چیزی جز مغز و سلسله اعصاب انسان نیست. از نظر ماتریالیست ها انسان یک ماشین مادی بسیار پیچیده است، نه چیزی فراتر از آن.

**توماس هابز: ذهن بشر یک ماشین مادی پیچیده است.**

**مارکس: نیازهای انسان صرفاً مادی هستند، نیاز به جامعه و اخلاق نیز به واسطه نیازهای مادی ایجاد شده اند.**

نظر داروینیست ها درباره انسان:

عقایدی نزدیک به ماتریالیست ها دارند.

**احدایق** **دارای یک قیمت والا یا ارزش ذاتی است.** **خدا (کارکرد)**



پویش علمی  
ماندگار البرز

و جهان افرا





پویش علمی  
ماندگار البرز



فیلسوفانی هستند که از نظریه داروین درباره پیدایش حیات و تحول تدریجی موجودات زنده و پیدایش انسان از حیوان، نتایج فلسفی گرفتند و گفتند که انسان چیزی نیست، جز یک حیوان راست قامت؛ با این تفاوت که از سایر حیوانات پیچیده تر است و همان طور که یک کرم با یک پرندۀ تفاوت ندارد و هر دو حیوان شمرده می شوند، انسان نیز به جز پیچیدگی بیشتر، تفاوت حقیقی با آنها ندارد.

خلاصه نظریات ماتریالیست ها و داروینیست ها:

از نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها، چون تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد، نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد. مثلاً اگر انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی توجه می کند، به این دلیل نیست که فضیلت گرایی در روح و فطرت او وجود دارد، بلکه به این دلیل است که انسان ها، وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده اند و این زیست اجتماعی آنها را وادار به **ابداع اصول اخلاقی** و رعایت آنها کرده است تا بتوانند با هم زندگی کنند.

شبهات دکارت و کانت در مورد حقیقت انسان:

- ۱- هر دو حقیقت انسان را نفس و روح می دانند.
- ۲- هر دو روح را اثبات می کنند.

تفاوت دکارت و کانت در مورد حقیقت انسان:

- ۱- دکارت روح را با عقل نظری اثبات می کند و کانت آن را با عقل عملی و اخلاق اثبات می کند.
- ۲- دکارت معرفت به روح را فطری می داند اما کانت معرفت به آن را حاصل فعالیت ذهنی می داند. (مهدی لاجوردی)



## نمونه سوالات تشریحی درس ۹

پویش علمی  
ماندگار البرز

۱- تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدامیک غلط می باشد:

(۱) طبق نظر دکارت، بدن، حقیقت «من» انسان را تشکیل می دهد. (نادرست)

(۲) از نظر ماتریالیست‌ها انسان چیزی نیست جز یک حیوان راست قامت. (نادرست)

(۳) به نظر ارسطو و افلاطون قوه نطق و قابلیت حیات مربوط به بدن است. (نادرست)

(۴) داوینیس‌ها درباره پیدایش انسان از حیوان، نتایج فلسفی گرفتند. (صحیح)

۲- جای خالی را با کلمات مناسب پر کنید:

۱- از نظر ارسطو، نفس انسان در هنگام تولد حالت بالقوه دارد به تدریج حقایقی را کسب می کند و به ..... می رسد. (فعلیت)

۲- دیدگاه‌های افلاطون درباره نفس و انسان تحت تاثیر فیلسوف پیش از خود ..... است. (سقراط)

پاسخ دهید:

۱- حقیقت برتر انسان از دیدگاه افلاطون چیست؟ و انسان چه وظیفه ای در برابر آن دارد؟

پاسخ: نفس/ توجه و مراقبت از نفس باید وظیفه اصلی هر انسانی باشد / تا بدین وسیله نفس زیبا شود و به فضایل آراسته گردد.

۲- نفس از نظر دکارت چه ویژگی هایی دارد؟

پاسخ: مرکز اندیشه های ما است. / استدلال می کند. روح و بدن گرچه با یکدیگر هستند اما کاملاً از یکدیگر مجزا هستند. روح از بدن استفاده می کند. روح از قوانین فیزیکی آزاد است.

دارونیت‌ها ← از بدن عیناً پیچیده  
(آنچه از تعامل عیناً است)

← بالفعل



پویش علمی  
ماندگارالبرز



۳- ارسطو بدنی را که فاقد نفس است (نفس ندارد) چگونه توصیف می کند؟

پاسخ: بدن بدون نفس، یک موجود مرده است.

۴- دیدگاه مارکس را درباره حقیقت انسان بیان کنید.

پاسخ: او انسان را فقط یک موجود مادی می دانست که نیازهای اصلی او را نیازهای مادی تشکیل می دهند و نیازهایی مانند نیاز به اجتماع و قانون و نیاز به اخلاق، همه به خاطر نیازهای مادی پیدا شده اند.

۵- ویژگی‌های نفس را از نظر افلاطون بنویسید.

پاسخ: تنها موجودی که به طور خاص دارای عقل و خرد است نفس است. این نفس نامرئی است. نفس جزء عقلانی انسان است که او را از سایر حیوانات متمایز می سازد. غیر فانی و جاوید است.

منه بنر جامع / نزد بیا

## درس ۱۰: چیستی انسان (۲)



پویش علمی  
ماندگار البرز



دیدگاه فیلسوفان مسلمان درباره حقیقت انسان

۱- روح هدیه ای الهی و غیر زمینی است .

۲- انسان را موجودی جاویدان، جانشین خدا در زمین و مسجود فرشتگان محسوب کرده که آسمان ها و زمین را خداوند برای او آفریده و آماده ساخته است.

از جانب بالا (نظر ابن سینا)

ابن سینا معتقد است که وقتی بدن انسان دوره جنینی را در رحم مادر گذراند و به مرحله ای رسید که صاحب همه اندام های بدنی شد، خداوند روح انسانی را به آن عطا می کند. این روح، که (۱) جنبه غیرمادی دارد. (۲) از جنس موجودات مجرد است. (۳) استعداد کسب علم از طریق تفکر را دارد. (۴) می تواند اموری از قبیل اخلاق، عشق، دوستی، نفرت، پرستش و معنویت را دریابد و آنها را در خود پدید آورد.

حقیقت نورانی نفس (نظر سهروردی)

وی به جای مفهوم وجود، بیشتر از مفهوم «نور» استفاده می کرد. هستی مراتب نور است .

مفهوم خدا نزد سهروردی: خداوند که نور محض است «نور الانوار» هیچ ظلمتی در او راه ندارد سایر مراتب وجود، نور هستی خود را از نور الانوار دریافت می کنند، اما چون نور کامل نیستند، ترکیبی از نور و ظلمت اند.



پویش علمی  
ماندگارالبرز



نظر شیخ اشراق درباره نفس انسان : نفس انسان، همان جنبه نورانی وجود و جسم و بدن او، همان جنبه ظلمانی اوست. این نفس، اگر نورانیت بیشتری کسب کند، حقایق هستی را بهتر رؤیت می کند و می تواند با کسب شایستگی و لیاقت بیشتر، مسیر کمال را طی کند. او می گفت خدا یا همان نورالانوار، مشرق عالم است و از خداست که انوار بعدی طلوع می کنند. آنجا که نور وجود به پایین ترین حد خود می رسد، مغرب عالم قرار گرفته است. {وی نفس انسانی را حقیقتی مربوط به مشرق عالم می داند که از مشرق وجود دور افتاده و مشتاق بازگشت به آنجاست.}

### تا بی نهایت (نظر ملاصدرا)

انسان حقیقتی دوبعدی است : روح و بدن

بسیار مهم : اما روح، براساس این مکتب، چیزی ضمیمه شده به بدن نیست {برخلاف نظر ابن سینا}، بلکه نتیجه رشد و تکامل خود جسم و بدن است. از نظر ملاصدرا، روح و بدن دو چیز مجزا نیستند که کنار هم قرار گرفته باشند {برخلاف نظر دکارت} بلکه اینها وحدتی حقیقی دارند به گونه ای که یکی (روح) باطن دیگری (بدن) است. بنابراین هر اتفاقی در روح بیفتد، در بدن ظاهر می شود و هر اتفاقی در بدن رخ دهد، بر روح تأثیر می گذارد.

از نظر حکمت متعالیه :

(۱) روح انسانی آخرین درجه تکاملی است که موجودات زنده می توانند به آن برسند.

(۲) ظرفیت روح انسان پایان ندارد و روح می تواند به هر مرتبه کمالی در جهان مخلوقات، دست یابد.

(۳) مراحل تکاملی طبیعت، وقتی از گیاه و حیوان می گذرد و به انسان می رسد، ظرفیتی بی نهایت پیدا می کند و به هیچ درجه ای از کمال قانع نمی شود.



پویش علمی  
ماندگار البرز



نظر مولوی درباره مراحل تکاملی انسان

از جمادی مُردم و نامی شدم	وز نما مُردم به حیوان بر زدم
مُردم از حیوانی و آدم شدم	پس چه ترسم کی ز مردن کم شدم
حمله دیگر بمیرم از بشر	تا بر آرم از ملایک پر و سر
وز ملک هم بایدم جستن ز جو	کلّ شیءِ هالک الّ وجهه
بار دیگر از ملک قربان شوم	آنچه اندر وهم ناید آن شوم

انسان در نظر حکمت متعالیه

—اگرچه انسان ظرفیت و استعداد بی نهایت دارد، اما این استعداد، به معنای رسیدن حتمی وی به کمالات نیست.  
—انسان باید با اختیار و اراده خود این ظرفیت را به فعلیت برساند. یعنی باید مسیر تکاملی به سوی خدا را انتخاب نماید و با ایمان و عمل این مسیر را طی کند.  
البته او اختیار دارد که مسیرهای دیگری غیر از مسیر تکامل را برگزیند.

نگاه تمثیلی به دیدگاه فلاسفه در مورد حقیقت انسان:

—بنابر دیدگاه افلاطون، ارسطو، دکارت، کانت و ابن سینا در مورد حقیقت انسان، رابطه روح و بدن مثل رابطه راننده با ماشین یا خلبان با هواپیما است.  
—بنابر دیدگاه ماتریالیست ها و داروینیست ها در مورد حقیقت انسان، رابطه انسان و بدنش مثل رابطه درخت و اجزاء سازنده اش یا آب با اجزاء سازنده اش است.  
—بنابر دیدگاه شیخ اشراق در مورد حقیقت انسان، رابطه روح و بدن، مراتب مختلف نور است و مثل مراتب مختلف گرمی یا سفیدی است.  
—بنابر دیدگاه ملاصدرا در مورد حقیقت انسان، رابطه روح و بدن بذر با گیاهش و یا نطفه انسان با بدنش است.

رابطه آب

رابطه زمین و هوا

رابطه نور

فیلسوف	دیدگاه درباره انسان	توضیحات
<b>دکارت</b>	انسان موجودی است با دو حقیقت	اندیشه و استدلال کار نفس است - مجزا بودن نفس و بدن - ماشین پیچیده بودن جسم انسان - جسم مادی نقشی در استدلال ندارد.
<b>ارسطو</b>	انسان موجودی است با دو حقیقت	قوه نطق و قابلیت حیات، مربوط به نفس است - نفس محل نطق و تفکر است - نفس در ابتدا استعداد محض است - استعدادها به تدریج به فعلیت می رسد.
<b>کانت</b>	انسان موجودی است با دو حقیقت	انسان موجودی اخلاقی است - انسان دارای اختیار و اراده است - اختیار ویژگی نفس انسان است، نه جسم او.
<b>ابن سینا</b>	انسان وجودی است با دو حقیقت	ابتدا بدن شکل می گیرد - پس از تکمیل شدن بدن، روح به آن ملحق می شود - روح ابتدا استعداد محض است - روح استعداد کسب علم از طریق تفکر را دارد.
<b>ملاصدرا</b>	جسم و روح وحدتی حقیقی دارند	روح چیزی ضمیمه شده به بدن نیست - روح تکامل یافته جسم است - رابطه تاثیر و تاثر دوسویه میان جسم و روح برقرار است - روح، باطن انسان است.



پویش علمی  
ماندگارالبزر



## نمونه سوالات تشریحی درس ۱۰

۱- صحیح و غلط جملات زیر را مشخص کنید:

(۱) طبق دیدگاه ملاصدرا روح و بدن وحدتی حقیقی دارند و به گونه ای که یکی (بدن) باطن و دیگری (روح) است. (نادرست)

(۲) براساس حکمت متعالیه روح چیزی ضمیمه شده به بدن نیست، بلکه روح و بدن دو چیز مجزا از یکدیگر هستند. (نادرست) X

۲- جای خالی را با کلمات مناسب پر کنید:

خرگشتن

(۱) در انسان شناسی ابن سینا، روح انسانی از جنس ..... است. (موجودات مجرد)

(۲) ..... ، فیلسوف مسلمان برای توصیف بی قراری روح و کوشش آن برای رسیدن به جایگاه اصلی اش شعری تمثیلی به زبان عربی سرود. (ابن سینا)

پاسخ دهید:

۱- از نظر ملاصدرا انسان چگونه باید ظرفیت و استعداد بی نهایت خود را به فعلیت برساند؟

پاسخ: با اراده و اختیار

۲- مغرب عالم از نظر سهروردی چیست؟

پاسخ: آنجا که نور وجود به پایین ترین حد خود می رسد.

۳- سهروردی خداوند را چه می نامد؟

پاسخ: نورالانوار

۴- ارتباط روح و بدن از نظر ملاصدرا چگونه است؟

پاسخ: بر اساس این مکتب روح چیزی ضمیمه شده به بدن نیست بلکه نتیجه ی رشد و تکامل خود جسم و بدن است. روح و بدن دو چیز مجزا نیستند که کنارهم قرار

گرفته باشند بلکه وحدتی حقیقی دارند به گونه ای که روح، باطن بدن است.

پویش علمی  
ماندگارالبرز



پویش علمی  
ماندگارالبرز



۵- سهروردی حقیقت نفس و نحوه تکامل آن را با استفاده از مفهوم «نور» چگونه تشریح می‌کند؟

پاسخ: نفس انسان، همان جنبه نورانی وجود اوست. این نفس، اگر نورانیت بیشتری کسب کند، حقایق هستی را بهتر رویت می‌کند و می‌تواند با کسب شایستگی و لیاقت بیشتر، مسیر کمال را طی کند.

۶- جنبه نورانی و ظلمانی وجود انسان از نظر شیخ اشراق چیست؟

پاسخ: جنبه نورانی = روح و نفس اوست

جنبه ظلمانی = جسم و بدن

۷- انسان در دیدگاه حکمت متعالیه چگونه استعداد های خود را به فعلیت می‌رساند؟

پاسخ: با اختیار و اراده باید این ظرفیت را به فعلیت برساند. یعنی باید مسیر تکاملی به سوی خدا را انتخاب کند.

۸- در باب نفس انسان نام هر فیلسوف را با جمله مرتبط به آن فیلسوف متصل کنید.

۱- ابن سینا (الف) نفس انسان همان جنبه نورانی وجود

است.

۲- شیخ شهاب الدین سهروردی (ب) روح انسان آخرین درجه تکاملی است.

۳- ملا صدرا (پ) روح انسان جنبه غیر مادی دارد و از جنس

مجردات است.

(ت) روح و بدن وحدتی حقیقی دارند.

(۳) ب / ت

(۲) الف

پاسخ: (۱) پ

۹- نظر ابن سینا را در مورد حقیقت و روح انسان بنویسید.

ابن سینا معتقد است که وقتی انسان دوره جنینی را پشت سر گذاشت و به مرحله ای رسید که صاحب اندام های انسانی شد، خداوند روح که جنبه غیر مادی دارد و از جنس مجردات است به انسان عطا می کند. روح می تواند اموری مانند اخلاق، عشق، دوستی و نفرت را دریابد و آن ها را از خود پدید آورد.



پویش علمی  
ماندگارالبرز

۱۰- چرا فیلسوفان صدرایی (حکمت متعالیه) ظرفیت روح انسان را بی نهایت می دانند؟

از نظر حکمت متعالیه روح انسانی آخرین درجه تکاملی است که موجودات زنده می توانند به آن برسند. ظرفیت روح انسان پایان ندارد و روح می تواند به هر مرتبه کمالی در جهان دست یابد. مراحل تکاملی طبیعت، وقتی از گیاه و حیوان می گذرد و به انسان می رسد ظرفیتی بی نهایت پیدا می کند و به هیچ درجه ای از کمال قانع نمی شود.



## درس ۱۱: انسان، موجود اخلاق‌گرا



پویش علمی  
ماندگارالبرز



فعل طبیعی و فعل اخلاقی

فعل طبیعی: کارهایی که انسان آنها را برای رفع نیازهای خود انجام می‌دهد، از قبیل خرید مایحتاج روزانه، داشتن شغل برای کسب درآمد، استراحت، آشپزی، ورزش و تفریح.

فعل اخلاقی: دسته دیگر کارهایی هستند که مورد ستایش و تحسین یا مورد سرزنش و تقبیح قرار می‌گیرند. مانند احسان، گذشت، ایثار، وفاداری و مبارزه با ظلم و نابرابری.

بعضی از سوالات فلسفه اخلاق

چه ویژگی‌هایی این قبیل افعال را به فعل طبیعی تبدیل کرده است؟ افعال اخلاقی چطور؟

معیار فعل اخلاقی چیست؟ فعل اخلاقی از کجا نشئت می‌گیرد؟

چرا قواعد اخلاقی مورد قبول عموم واقع می‌شوند؟ آیا هر کسی می‌تواند مطابق سلیقه و دیدگاه خود قاعده اخلاقی وضع کند و از دیگران بخواهد آن را رعایت

نمایند؟ آیا اصول اخلاقی بسته به تحول و تفاوت فرهنگ‌ها و جوامع، متغیر و متفاوت‌اند؟

برخی دیدگاه‌ها در معیار فعل اخلاقی

الف) فیلسوفان دوره یونان باستان

افلاطون:

فعل اخلاقی با سعاد و نیک بختی حقیقی آدمی رابطه دارد. به اعتقاد او، فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می‌گردد و اگر برخلاف سعادت باشد و باعث شقاوت گردد، رذیلت و بدی شمرده می‌شود.

حال سوال اینجا است: در چه صورت یک عمل در جهت سعادت است؟  
قوای انسانی:

قوه شهوت: انسان را به سوی لذایذ و امیال فرا می‌خواند.

قوه غضب: انسان را در برابر خطرهای و موانع دعوت به ایستادگی و عکس العمل می‌کند.

قوه عقل: که خوب را از بد تشخیص می‌دهد و سعادت واقعی را شناسایی می‌کند.

سعادت انسان چگونه به دست می‌آید؟

از نظر افلاطون، در صورتی عمل انسان در جهت سعادت است که بنا به فرمان و راهنمایی عقل انجام پذیرد. یعنی قوه غضب و قوه شهوت، تحت کنترل و حکومت عقل باشند و با راهنمایی عقل عمل کنند.

فضیلت عقل: حکمت است.

فضیلت شهوت: خویشتن داری است.

فضیلت غضب: شجاعت است.

اگر عقل حاکم بر دیگر قوا شده و فضیلت چهارم یا عدالت ایجاد شود، انسان آراسته به این فضیلت ها سعادت مند و نیک بخت است.



پویش علمی  
ماندگار البرز

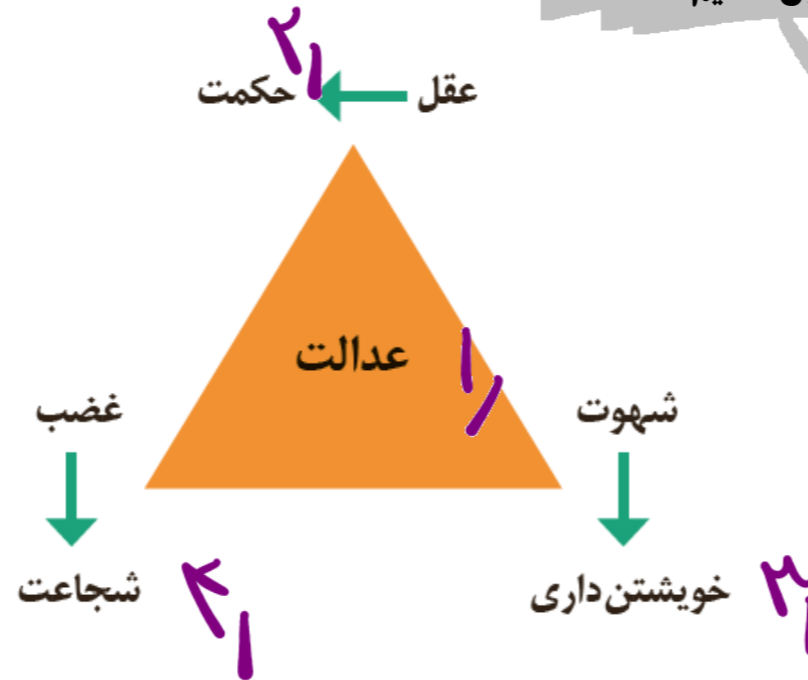


فعل اخلاقی  
(زردی) ← فعل به اخلاقی  
رذیلت  
ایش ← فعل خوب اخلاقی  
فضیلت



توجه: این معیار میان همه انسان‌ها مشترک و ثابت است و با گذشت زمان تغییر نمی‌کند.  
یعنی معیار اخلاقی در نظر افلاطون {و ارسطو} قابل تعمیم است.

سعاد و افعی



ارسطو: **اجزای معلق ۱**

ارسطو می‌گوید اگر عقل بر دیگر قوا حاکم شود انسان به اعتدال قوا می‌رسد و این اعتدال عامل سعاد و نیک بختی انسان است.  
تفاوت دیدگاه ارسطو و افلاطون:

به اعتقاد ارسطو شهوت و غضب همواره در معرض افراط و تفریط هستند اما عقل می‌تواند مانع این افراط و تفریط شود؛ البته شرط لازم برای چنین امری این است که: **۱) خود عقل رشد کرده ۲) به درجات مناسبی از معرفت دست یابد تا خودش دچار افراط و تفریط نشود.**

حد وسط و اعتدال	حالت تفریط	حالت افراط	قوا
۱ حکمت	سفاقت <sup>الحی</sup>	جُرْبُزَه <sup>۲</sup>	عقل
۲ شجاعت	ترس <sup>صن</sup>	تَهَوُّر <sup>۳</sup>	قوة غضب
۳ خویشتن داری	خمودی	شَرَه <sup>۴</sup>	قوة شهوت

اعتدال

کامنه

پویش علمی  
ماندگار البرز

(ب) فیلسوفان دوره جدید اروپا

کانت: معیار فعل اخلاقی، در (وجدان اخلاقی) است.

تعریف وجدان اخلاقی: هر انسان در درون خود حقیقتی به نام وجدان اخلاقی دارد که او را به سوی عمل خیر اخلاقی دعوت می کند.

هر کاری که انسان آن را صرفاً برای اطاعت از وجدان خود انجام دهد و هیچ گونه هدف و منفعت شخصی در آن نداشته باشد، خیر اخلاقی شمرده می شود.

یعنی هر عمل انسانی باید به گونه ای باشد که اگر دیگران هم همان کار را در مورد وی انجام دادند، او آن کار را بپسندد و عاملان آن را تحسین کند.

کانت: {بر طبق قاعده ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده مزبور، قانون کلی و عمومی شود.}

فیلسوفان طبیعت گرا و ماتریالیست:

ریشه های فعل اخلاقی را در رفتار طبیعی انسان است.

به باور ایشان انسان هر کاری را برای منافع طبیعی خود انجام می دهد.



پویش علمی  
ماندگارالبیرز



کار خوب: کاری که به سود ماست.

کار بد: کاری که به ضرر ماست.

چرا در نظر این اندیشمندان رعایت منفعت دیگران مهم است؟

— از آنجا که انسان زندگی اجتماعی دارد، ناگزیر است **منفعت دیگران** را نیز رعایت کند؛ زیرا، در غیر این صورت، **منفعت خودش** نیز حفظ نمی شود.

اولین قانون اخلاقی: {آنچه برای خود می پسندی، برای دیگران هم پسند. در این صورت است که می توانی با دیگران زیست کنی}

توماس هابز: هرگاه انسانی بخواهد در برابر دیگران آزادی زیادی داشته باشد، باید به دیگران هم حق بدهد که در برابر او به همان میزان آزاد باشند.

بنابراین دیدگاه، انسان از زمانی که دریافته نفع او در گرو نفع دیگران است، قواعد اخلاقی را ابداع کرده بر این اساس اموری مانند صداقت، عدالت و امانت

داری در واقع ارزش حقیقی ندارند و حقیقتاً فضیلت شمرده نمی شوند اما چون برای زندگی اجتماعی ضروری هستند و منفعت افراد در رعایت آنهاست، باید آنها را مراعات کرد.

(ج) فیلسوفان مسلمان

۱— ابن سینا و دیگر فلاسفه مسلمان، دیدگاهی نزدیک به افلاطون و ارسطو دارند.

۲— آنان نیز عقل را منبع شناخت فضیلت ها و رذیلت ها می دانند و این عقل را از آن جهت که رفتار خوب و بد را تشخیص می دهد، «عقل عملی» می نامند.

۳— فضیلت هایی مانند عدل، احسان، خویشن داری و شجاعت را کمالاتی می داند که باعث رشد و کمال روح می شود.

۴— بنابراین هر انسانی فضیلت ها را دوست دارد و از رذائل اخلاقی مانند ظلم، بخل و ریا گریزان است. {یعنی اخلاق ذاتی و فطری انسان ها است}

۵— هر انسانی به دنبال کسب فضائل است و با کسب فضائل احساس نشاط و لذت می کند و به رضایت درونی می رسد.

چرا با وجودی که اخلاق فطری است، انتخاب و عمل به فضائل آسان نیست؟!

پاسخ :

تمایلات انسان :

۱- تمایلات مربوط به بُعد مادی و حیوانی، مانند تمایل به ثروت و لذت های مادی.

۲- تمایلات مربوط به بُعد روحی و معنوی، مانند تمایل به عدالت و سخاوت

علت انجام رذایل اخلاقی :گاه میان فضیلت ها و منافع و تمایلات مادی و حیوانی انسان تلاقی پیدا می شود؛ در چنین شرایطی اگر تمایلات حیوانی و مادی قوی باشند انسان را به سوی خود می کشانند و مانع رسیدن او به فضیلت ها می شوند و حتی او را به سوی رذیلت ها سوق می دهند.

نظر فیلسوفان اسلامی در باب اخلاق :

با اینکه انسان می تواند فضائل و رذائل را بشناسد و حتی به آنها علاقه بورزد، اما این علاقه به تنهایی نمی تواند باعث ترک رذیلت و کسب فضیلت شود. از نظر آنان، علاوه بر این تمایل ذاتی، پشتوانه ای دیگر هم لازم است تا هنگام تضاد میان تمایلات حیوانی و فضائل اخلاقی، انسان بتواند فضائل را بر تمایلات ترجیح دهد. این پشتوانه، به اعتقاد فلاسفه مسلمان، **خداست**؛ اگر خداوند نیز ما را به کسب فضائل ترغیب و از رذایل منع نماید و برای آنها پاداش و مجازات معین فرماید، میل به فضائل در انسان تقویت می شود. البته اعتقاد به خداوند، گرچه عامل تقویت کننده است، اما به این معنا نیست که عمل به فضیلت قطعی و حتمی می شود، زیرا در هر صورت، انسان موجودی مختار و با تمایلات قوی و شدید است و ممکن است برای رسیدن به آن تمایلات، از فرمان خدا هم سرپیچی نماید.



پویش علمی  
ماندگارالبرز



## نمونه سوالات تشریحی درس ۱۱

پویش علمی  
ماندگارالبرز

۱- صحیح و غلط را در جملات زیر مشخص کنید:

- (۱) جمله «آنچه برای خود می پسندی برای دیگران هم بپسند»، نظر فیلسوفان طبیعت‌گرا و ماتریالیست نیز است. (صحیح)
  - (۲) از نظر ماتریالیست‌ها و داروینیست‌ها زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی انسان‌ها را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آن‌ها کرده است. (صحیح)
  - (۳) برای رسیدن به سعادت از نظر افلاطون فقط باید قوه شهوت در کنترل آدمی درآید. (نادرست)
  - (۴) به نظر کانت اگر انسان عدل را به خاطر تشویق و تمجید و یا برای رسیدن به آرامش و سعادت انجام دهد، فعل اخلاقی شمرده نمی‌شود. (صحیح)
  - (۵) فیلسوفان طبیعت‌گرا و ماتریالیست معتقدند «خوب» و «بد» عناوینی هستند که خود انسان به هر کاری می‌دهد. (صحیح)
  - (۶) با فرض اینکه «پرداخت به موقع دستمزد کارگران» بتواند قاعده عمومی شود، از نظر کانت خیر محسوب می‌شود. (صحیح)
- ۲- جای خالی را با کلمات مناسب پر کنید:

- (۱) کانت اختیار را ویژگی ..... میداند. (نفس)
  - (۲) از نظر افلاطون فضیلت عقل ..... است و اگر عقل حاکم باشد قوه شهوت ..... پیشی می‌گیرد. (حکمت / خویشتنداری)
- ۳- جواب صحیح را انتخاب کنید.

الف: از نظر کدام فیلسوف وجدان اخلاقی بدون وجود اختیار و اراده‌ی آزاد امکانپذیر نیست؟

- |          |           |                |                  |
|----------|-----------|----------------|------------------|
| (۱) کانت | (۲) دکارت | (۳) توماس هابز | (۴) فرانسیس بیکن |
|----------|-----------|----------------|------------------|
- ب: از نظر کدام فیلسوف نیاز به اجتماع و قانون و نیاز به اخلاق به دلیل نیازهای مادی پیدا شده است؟
- |            |          |           |           |
|------------|----------|-----------|-----------|
| (۱) داروین | (۲) هابز | (۳) مارکس | (۴) دکارت |
|------------|----------|-----------|-----------|



پویش علمی  
ماندگار البرز



د: این سخن از کیست؟ «بر طبق قاعده‌ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده‌ی مزبور قانون کلی و عمومی شود».

(۱) ماتریالیست‌ها (۲) ارسطو (۳) افلاطون (۴) کانت

پاسخ:

الف: ۱ کانت      ب: ۳: مارکس      ج: ۳ ابن سینا      د: ۴ کانت

پاسخ کوتاه دهید:

۱- کارهایی که مورد ستایش و تحسین یا مورد سرزنش و تقبیح قرار می‌گیرند چه نامیده می‌شوند؟

پاسخ: فعل اخلاقی

۲- کدام قوه از نظر افلاطون انسان را در برابر خطرها و موانع دعوت به ایستادگی می‌کند؟

پاسخ: غضب

۳- عامل سعادت و نیکبختی انسان از نظر ارسطو چیست؟

پاسخ: اعتدال

۴- حالت تفریط عقل و حالت افراط غضب را بنویسید.

پاسخ: سفاهت و تهور

۵- فلاسفه‌ی مسلمان پشته‌ای اینکه انسان میان تمایلات حیوانی و فضائل اخلاقی بتواند فضائل را ترجیح دهد چه می‌دانند؟

پاسخ: خدا

پاسخ تشریحی دهید:

۱- به نظر کانت عمل انسانی که خیر اخلاقی شمرده می شود دارای چه ویژگی هایی است ؟

پاسخ : هر کاری که انسان آن را صرفاً برای اطاعت از وجدان خود انجام دهد و هیچ گونه هدف و منفعت شخصی در آن نداشته باشد ، خیر اخلاقی شمرده می شود . مثلاً اگر انسان عدل را نه به خاطر تشویق و تمجید دیگران و نه حتی برای رسیدن به سعادت ، بلکه فقط بدان جهت که وجدان بدان دعوت می کند، انجام دهد فضیلت شمرده می شود .

۲- به نظر ابن سینا چرا هر انسانی فضیلت ها را دوست دارد و از رذائل گریزان است ؟

پاسخ : عقل فضیلت هایی مانند عدل ، احسان ، خویشتن داری و شجاعت را کمالاتی می داند که باعث رشد و کمال روح می شود . درست مانند آب و غذا و اموری از این قبیل که جسم انسان را رشد می دهند . بنابراین هر انسانی فضیلت ها را دوست دارد و از رذیلت ها گریزان است .

۳- چرا باوجود تقویت فضایل در انسان از جانب خداوند ، عمل به فضیلت قطعی و حتمی نمی شود؟

پاسخ : زیرا در هر صورت انسان موجودی مختار و با تمایلات قوی و شدید است و ممکن است برای رسیدن به آن تمایلات از فرمان خدا هم سرپیچی کند .

۴- در نظر فیلسوفان مسلمان چه چیز می تواند مانع رسیدن انسان ها به فضیلت شود ؟

پاسخ : گاهی اوقات کسب فضایل با منافع و تمایلات جسمانی انسان در تضاد است . در صورتی که تمایلات انسان قوی باشند می توانند مانع رسیدن انسان به فضیلت ها شود .

۵- تفاوت دیدگاه افلاطون و کانت در مورد « فضیلت » چیست؟

پاسخ : از نظر افلاطون فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می گردد. اما از نظر کانت هر کاری را، فقط بدان جهت که وجدان بدان دعوت می کند / صرفاً برای اطاعت از وجدان انجام دهد، فضیلت شمرده می شود.



پویش علمی  
ماندگارالبرز



## سوالات آزمون نهایی درس فلسفه ۱



پویش علمی  
ماندگارالبرز



- ۱- درستی یا نادرستی هریک از عبارت‌های زیر را مشخص نمایید. (۲ نمره)
  - الف) رویارویی انسان با سوالات روزمره و جستجوی پاسخ آن‌ها، مرحله اول تفکر است.
  - ب) ابتدا باید وجود را شناخت تا بتوان امکان شناخت آن را بررسی کرد.
  - ج) در تمثیل غار افلاطون، «نور خورشید» عامل شناخت اشیای بیرون غار است.
  - د) به هیچ وجه نمی‌توان تاریخ دقیقی از آغاز فلسفه ارائه داد.
  - ه) وجود اشتباه در شناخت، به طور طبیعی به معنای ناتوانی در کسب معرفت تلقی می‌شود.
  - و) قانون علیت اساس تجربه است؛ یعنی علیت از تجربه به دست می‌آید.
  - ز) از آنجا که دکارت مخالف با تجربه و علم تجربی نبود، پس می‌توان گفت: «او نیز تجربه گرا است.»
  - ح) با فرض اینکه «پرداخت به موقع دستمزد کارگران» بتواند قاعده عمومی شود، از نظر کانت خیر محسوب می‌شود.
- ۲- عبارت‌های زیر را با کلمات مناسب تکمیل نمایید. (۲ نمره)
  - الف) بخش اصلی فلسفه در صدد بحث و بررسی اصل و حقیقت ..... است.
  - ب) باورهای انسان، نقش تعیین کننده در انتخاب ..... دارند.
  - ج) در آغاز شکل‌گیری فلسفه در یونان باستان، مسئله‌ای که اندیشمندان را به خود مشغول می‌داشت، ..... بود.



پویش علمی  
ماندگارالبرز



(د) در روش پرسش و پاسخ سقراطی، او می‌خواست مخاطب را به ..... برساند.

(ه) شک در اصل دانستن و همه دانسته‌ها، با..... سازگار نیست.

(و) فلاسفه مسلمان معاصر، معرفت فلسفی را متکی بر ..... می‌دانند و بدون آن فلسفه اساساً وجود ندارد.

(ز) داوینچیست‌ها درباره پیدایش انسان از حیوان، نتایج ..... گرفتند.

(ح) در انسان شناسی ابن سینا، روح انسانی از جنس ..... است.

۳- گزینه درست را انتخاب نمایید. (۱/۲۵)

الف) کدام پرسش فلسفی است؟

۱) آغاز و انجام جهان چگونه است؟ ۲) جهان از چه موادی تشکیل شده است؟

ب) کدام گزاره به بخش معرفت شناسی مربوط می‌شود؟

۱) پدیده‌ها نمی‌توانند به اختیار خود به وجود بیایند. ۲) درک واقعیت‌های هستی امکان‌پذیر است.

ج) پذیرش بدون دلیل گزاره «نحس بودن عدد ۱۳» بیانگر بهره‌مند نشدن از کدام فایده فلسفی است؟

۱) دوری از مغالطات ۲) رهایی از عادات غیر منطقی

د) تفاوت افلاطون با پارمنیدس در حوزه معرفت شناسی در کدام گزینه بیان شده است؟

۱) شناخت عقلی مطمئن تر از شناخت حسی است. ۲) شناخت عقلی معتبر است.

ه) در کدام گزینه، دیدگاه حکمت متعالیه در مورد شکل‌گیری هویت انسان، بیان شده است؟

۱) از ابتدا هویت انسانی او معلوم است. ۲) نفس انسان از حالت بالقوه به بالفعل می‌رسد.



۴- مفاهیم ستون سمت راست را به مفاهیم ستون سمت چپ مرتبط کنید. (در سمت چپ یک مورد اضافی است). (۰/۷۵)

(الف) استفاده از اشیا برای رفع نیازهایمان

(۱) تدریجی بودن شناخت

(ب) فراگیرتر بودن شناخت انسان از مسائل محسوس

(۲) توانایی شناخت

(ج) آغاز فرآیند شناخت انسان و پیشرفت انسان از بدو تولد

(۳) ارزش شناخت

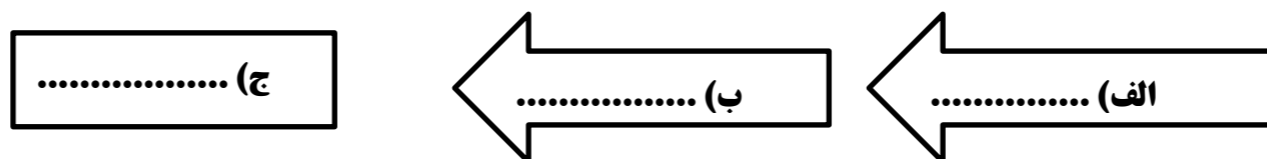
(۴) محدوده شناخت

۵- با توجه به ارتباط میان بخش‌های اصلی و فرعی فلسفه و علوم، گزاره‌ها را در جای مناسب قرار دهید. (۰/۷۵)

۱- دروغی که به نفع من باشد ایرادی ندارد

۲- شناخت انسان فقط امور محسوس را دربر می‌گیرد.

۳- انسان موجودی تک ساحتی است.



به سوالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

۶- دانش فلسفه و فیزیک از چه جهاتی قابل تمایز هستند؟ (۰/۵)

۷- مهم‌ترین هدف سوفیست‌ها از اشتغال به تعلیم سخنوری و وکالت چه بود؟ و در استدلال‌های خود بیشتر از چه چیزی کمک می‌گرفتند؟ (۰/۵)

۸- تفاوت بین فیلسوف با مردم عادی را بیان کنید. (۰/۷۵)

۹- منظور هراکلیتوس از عبارت «در یک رودخانه نمی‌توان دوبار شنا کرد.» را بیان کنید. (۰/۵)



پویش علمی  
ماندگارالبرز



۱۰- دو مورد از ویژگی‌های هستی را از نظر پارمنیدس بیان کنید. (۵/۰)

۱۱- از نظر سقراط داناترین آدمیان چه کسی است؟ (۵/۰)

۱۲- چگونه سقراط اتهام انکار خدا را رد می‌کند؟ (۵/۰)

۱۳- نوع شناخت مناسب برای موارد زیر تشخیص دهید. (۵/۰)

الف) جذر عدد ۵

ب) عامل ایجاد بیماری کرونا

۱۴- عبارت زیر مرتبط با نظریه کدام یک از جریان‌های معرفت‌شناسی در اروپا است؟ (۷۵/۰)

الف) اعتقاد به خدا باعث کاهش افسردگی در زندگی می‌شود، پس اعتقاد درستی است.

ب) هیچ پدیده‌ای به خودی خود به وجود نمی‌آید.

ج) شناخت من به غیر از خودم، برای شخص دیگری معتبر نیست.

۱۵- عبارت زیر بر مبنای قاعده اخلاقی کدام فیلسوف بیان شده است؟ (۲۵/۰)

«اشکالی ندارد که هرچقدر که می‌خواهی صدای موسیقی را زیاد کنی، فقط نباید مزاحم بقیه همسایه‌ها بشوی.»

۱۶- چرا از نظر حکمت متعالیه، روح انسانی آخرین درجه تکاملی است که موجودات زنده می‌توانند به آن برسند؟ (۵/۰)

به سوالات زیر پاسخ کامل دهید.

۱۷- معارف و حیانی با شهود و حیانی چه تفاوتی دارد؟ (۱ نمره)

۱۸- دیدگاه «پوزیتیویسم» درباره مفاهیم «نفس» و «اختیار» را بنویسید. (۷۵/۰)



پویش علمی  
ماندگارالبرز



- ۱۹- کانت همکاری حس و عقل را در کسب معرفت، چگونه تبیین می‌کند؟ (۱ نمره)
- ۲۰- حقیقت برتر انسان از دیدگاه افلاطون چیست؟ و انسان چه وظیفه‌ای در برابر آن دارد؟ (۰/۷۵)
- ۲۱- نفس از نظر دکارت چه ویژگی‌هایی دارد؟ (۱ نمره)
- ۲۲- سهروردی حقیقت نفس و نحوه تکامل آن را با استفاده از مفهوم «نور» چگونه تشریح می‌کند؟ (۱ نمره)
- ۲۳- تفاوت دیدگاه افلاطون و کانت در مورد «فضیلت» چیست؟ (۱ نمره)
- ۲۴- چرا از نظر فیلسوفان مسلمان، با اینکه بشر فطرتاً علاقمند به فضایل است، اما مرتکب رذایل اخلاقی می‌شود؟ (۱ نمره)

## پاسخنامه:

۱- الف) ص (ب) غ (ج) ص (د) ص (ه) غ (و) غ (ز) غ (ح) ص

۲- الف) وجود/هستی/اصل وجود و انسان و طبیعت و جهان

ب) اهداف

ج) دگرگونی طبیعت/تغییر و حرکات موجودات طبیعی یا طبیعت یا دنیا یا ماده

د) حقیقت/حقیا نظر درست/یا آنچه را که حق است.

ه) شک مطلق/با خود شک مطلق/با خود همین نظر/با امکان شناخت

و) استدلال عقلی

ز) فلسفی

ح) موجودات مجرد/غیر مادی

۳- الف) ۱ (ب) ۲ (ج) ۲ (د) ۱ (ه) ۲

۴- الف) ۲ (ب) ۴ (ج) ۱

۵- الف) ۲/جمله ۲ بخش اصلی است/شناخت انسان فقط امور محسوس را در بر می گیرد.

ب) ۳/جمله ۳ بخش فرعی است/انسان موجودی تک ساحتی است.

ج) ۱/جمله ۱ علوم یا علم خاص است/دروغی که به نفع من باشد ایرادی ندارد./علم اخلاق.



پویش علمی  
ماندگارالبرز





پویش علمی  
ماندگارالبزر



- ۶- از جهت موضوع و از جهت روش
- ۷- پیروزی بر رقیب - مغالطه / سفسطه
- ۸- فیلسوف درباره مسائل بنیادی به نحو جدی فکر می‌کند، با روش درست وارد این قبیل مسائل می‌شود و پاسخ می‌دهد. او تابع برهان و استدلال است؛ نه تابع افراد و اشخاص.
- ۹- (۱) تغییر و تحول جهان دائمی است. (۲) همه چیز در سیلان و حرکت است. (۳) هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد. (۴) دگرگونی قانون زندگی و قانون کائنات است. (ذکر یک مورد کافی است).
- ۱۰- (۱) یک امر واحد است. (۲) ثابت و بدون تغییر است. / حرکت و شدن ندارد. (۳) یک واقعیت و جاودان و فناپذیر است. (۴) تنها با تفکر عقلی درک می‌شود. (ذکر دومورد از موارد کافی است).
- ۱۱- داناترین آدمیان، کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی‌داند.
- ۱۲- کسی که صفات علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول داشته باشد، نمی‌تواند منکر وجود خداوند شود.
- ۱۳- الف) شناخت عقلی ب) شناخت تجربی
- ۱۴- الف) پراگماتیسم / اصالت عمل / عمل‌گراها ب) عقل‌گرایی / دکارت / کانت ج) نسبی‌گرایی
- ۱۵- توماس هابز / تجربه‌گرایان / ماده‌گراها / ماتریالیست‌ها / داوینیست‌ها.
- ۱۶- ظرفیت روح انسان پایان ندارد و روح می‌تواند به هر مرتبه کمالی در جهان مخلوقات، دست یابد.
- ۱۷- در معارف و حیانی خداوند از طریق وحی و به واسطه پیامبران، معارفی را در اختیار بشر قرار می‌دهد. اما در شهود و حیانی، خداوند حقایق / معانی / کلمات خود را بی واسطه بر قلب پیامبر نازل می‌کند.

۱۸- این دسته از مفاهیم و گزاره‌ها تجربه پذیر نیستند / از طریق تجربه نمی‌توان مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرند / تجربه درباره نفی یا اثبات آنها نمی‌تواند نظر دهد / اصولاً قابل بررسی علمی نیستند (هر کدام از عبارات ۵.۰ نمره) بی معنا هستند / معنای روشنی ندارند.

۱۹- قوه ادراکی انسان تصویری مثلزمان و مکان و علیت را نزد خود دارد و آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی‌آورد. به نظر کانت، انسان آنچه را که از طریق حس به او می‌رسد، در قالب این مفاهیم درک می‌کند.

۲۰- نفس توجه و مراقبت از نفس باید وظیفه اصلی هر انسانی باشد / تا بدین وسیله نفس زیبا شود و به فضایل آراسته گردد.

۲۱- مرکز اندیشه‌های ما است. / استدلال می‌کند. روح و بدن گرچه با یکدیگر هستند اما کاملاً از یکدیگر مجزا هستند. روح از بدن استفاده می‌کند. روح از قوانین فیزیکی آزاد است.

۲۲- نفس انسان، همان جنبه نورانی وجود اوست. این نفس، اگر نورانیت بیشتری کسب کند، حقایق هستی را بهتر رویت می‌کند و می‌تواند با کسب شایستگی و لیاقت بیشتر، مسیر کمال را طی کند.

۲۳- از نظر افلاطون فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می‌گردد. اما از نظر کانت هر کاری را، فقط بدان جهت که وجدان بدان دعوت می‌کند / صرفاً برای اطاعت از وجدان انجام دهد، فضیلت شمرده می‌شود.

۲۴- زیرا گاهی میان فضیلت‌ها و منافع و تمایلات مادی و حیوانی انسان تلاقی پیدا می‌شود؛ در چنین شرایطی اگر تمایلات حیوانی و مادی قوی باشند انسان را به سوی خود می‌کشانند و مانع رسیدن او به فضیلت‌ها می‌شوند.



پویش علمی  
ماندگارالبزر

